



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه سوم مهرماه ۱۳۵۴

فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲- تصویب صورتجلسه قبل .
- ۳- اجرای مراسم تحلیف بوسیله دونفر از نمایندگان .
- ۴- طرح و تصویب برنامه دولت و ابراز اعتماد بدولت آقای هویدا .
- ۵- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای دکتر مجیدی
- ۶- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه .
- ۷- وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) : (۱) - اعتبار مورد نیاز برای انجام تعهد دز سالهای آتی (نیروگاه بزرگ حرازی اهواز) (۲) - اعتبار مورد نیاز برای انجام تعهد در سالهای آتی (اجرای عملیات مرحله دوم خط لوله نفت خام و اجرای عملیات خط لوله ری) .

مجلس ساعت ۹ صبح برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
(بشرح زیر خوانده شد)
آقایان: بهارلو - طرفی - دانشمند - کمیلی زاده - دکتر ابوالهدی - کریم بخش سعیدی .
- ۲- تصویب صورتجلسه قبل .
- رئیس - نسبت به صورتجلسه قبل نظری نیست ؟
(اظهاری نشد) صورتجلسه تصویب میشود .
- ۳- اجرای مراسم تحلیف بوسیله دو نفر از نمایندگان
- رئیس - وارد دستور میشویم ، مراسم تحلیف بوسیله آقایان غلامرضا غضنفری و علی اوسط یگانه انجام میشود .
(بحکام الله تعالی با احترامات لازم به تالار جلسه آورده شد و عموم حضار بپا خاستند)
- « آقای غضنفری قسم نامه را بشرح زیر جمله به جمله قرائت کردند ، آقای یگانه آن را تکرار نمودند و هر دو نفر ذیل آن را امضاء کردند »
« ماشخاصی که در ذیل امضاء مینمائیم خداوند را به شهادت می طلبیم و به قرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بهما رجوع شده است مهملماکن با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم ونسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفتخر خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز قواید و مصالح دولت .
(کلام الله مجید با احترامات لازم از جلسه تالار خارج گردید) .

ع- طرح و تصویب برنامه دولت و ابراز اعتماد بدولت آقای اسرعباس هودا.

رئیس - برنامه دولت مطرح است آقای دکتر عاملی تهرانی بفرمائید.

دکتر عاملی - جناب آقای رئیس، همکاران ارجمند امروز بعد از اعلام دوران رستاخیز نخستین برنامه دولت رستاخیز در ساحت مجلس شورای ملی ایران مطرح می شود در این دوره تفاوت های اصولی هست نسبت به ادوار گذشته مجلس شورای ملی ایران نسبت به ادواری که برنامه های دولت از دیدگاه مخالف و موافق به تفکیک مورد بررسی قرار میگرفت. در این دوره نه آنگونه مخالفت مطرح است، در حالی که اصول نقادی سازنده و بررسی و تجزیه و تحلیل اصولی منتفی نشده است و حق نمایندگان است درباره برنامه های دولت به بررسی علمی و اصولی بپردازند و نکات قوت و ضعف آن را آشکار کنند. مجریان امور بر نکات قوت اتکاء بیشتری داشته باشد و از نکات ضعف اجتناب بیشتری، بنابراین در بررسی که در این دوره نسبت به برنامه دولت انجام میپذیرد تفاوت های خواهد بود. از طرف دیگر توجه باین نکته ضروریست که ما همه در آغاز عصر رستاخیز هستیم رستاخیز با عمل ماشکلی میگیرد. رستاخیز با گفتار مائودین و تکمیل می شود بنابراین آنچه ما امروز درباره برنامه دولت رستاخیز بگوئیم ملاک های شناسائی این برنامه خواهد بود ضابطه های شناسائی این برنامه خواهد بود یعنی در هزاران کانون حزبی وقتی میخواهند خصوصیات رستاخیز را تشریح و توصیه کنند اتکاء می کنند به سندی که دولت بعنوان برنامه حزب رستاخیز و برنامه دولت رستاخیز ارائه کرده نه تنها باین سند اتکاء می کنند بلکه بر تفسیرها و توجیه هایی که از جانب نمایندگان شده است که این نمایندگان دیگر نه درست موافقت و نه مخالف بلکه گزارشگرند، مفسرند توضیح دهنده اند. توجیه کننده اند اصول یابند و تشریح کننده باین تشریح ها است هر کلمه ای که در متن برنامه است معنی و مفهوم پیدا می کند و این معنی و مفهوم جو سیاسی ملت ایران را خواهد ساخت جوی را خواهند ساخت که در آن هر مجری احساس می کند فضای رسالت و فضای مسئولیتی که این امور را احاطه کرده و در بر گرفته عصر رستاخیز عصر پدید آوردن فضای مسئولیت ملی و رسالت ملی است فضائی است که در آن هر کس احساس کند که خوب چیست و بد چیست کاری که باید بشود چیست و کاری که نباید بشود چیست این یک

عصر جدید است نه تنها در حیات ملت ما بلکه در فرهنگ بشری این یک عصر جدید است ما بیک عصری قدم گذاشتیم که هنوز عظمت آن را فرصت نکرده ایم دریابیم این فرصت چگونه پدید خواهد آمد که تمام افراد ملت ایران از زن و مرد و پیر و جوان این فضای مسئولیت و رسالت ملی را احساس بکنند، به بینند و لمس کنند. که این جو و این فضا بوسیله این گفت و شنودها، بوسیله این تجزیه و تحلیل ها که از تریبون های خویش میگیریم که یکی از آن تریبونها بدلیل آنکه تمام افراد ملت ایران نظرگاهشان اینجا است، اهمیت فوق العاده ای دارد، همین مجلس شورای ملی ایران است بعنوان یک تریبون حزبی (صحیح است؟) یعنی این حق را من بعنوان یک نماینده دارم که برنامه دولت را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم برای اینکه معلوم شود مسئولیت من و مسئولیت دیگران در برابر رستاخیز چیست حتی است که هر فرد حزبی دارد این سخنی است که باید از امروز و شاید از دیروز در هر کانون حزبی آغاز بشود و در هر کانون حزبی این برنامه دولت را بردارند و جوشان بگذارند و شروع کنند به تجزیه و تحلیل و شناختن این برنامه و شکل دادن به کلمات این برنامه این برنامه یک مشت عبارات و کلماتی است که بدنبال هم آمده اما این کلمات باید مفهومی روشن بشود و با دقت بیان شود و این مفهوم را همگان باید دریابند تا در برابر مجریان یک ضابطه اصل مسئولیت پدید آید پس این بحث شروع میشود و شاید این بیان که من امروز می کنم و حتی انتظار نداشتم که نخستین گوینده این مجلس در مورد برنامه دولت باشم خوب اینطور پیش آمد شاید آغاز این بحث باشد بحثی که میخواهیم کم کم شکل بدهیم بر آن چیزی که امروز مثل یک سنگ خشن سخت در برابر ما است باید ما به کمک تیشه های اندیشه این سنگ را برایشیم و آن شکل واقعی برنامه دولت که نمیتواند از برنامه رستاخیز جدا باشد آن را عیان و آشکار کنیم و نشان بدهیم. پس اگر من عرض کردم بحث در موافقت و مخالفت نیست لابد می پرسید که بحث در چیست بحث در جلوه دادن دقایق این برنامه است ممکن است کسی بپرسد توجه حق داری که این بحث را بکنی؟ عرض من این است که من در مقام گفت و شنود این بحث را بعنوان یک فرد، بعنوان یک عضو حزب با آن حتی که همه اعضای حزب دارند شروع میکنم و میگویم اینطور است وقتی من

بیانم را کردم راه برای تمام اعضای حزب از جمله همکاران عزیز و ارجمندم که در مجلس شورای ملی هستند باز است یا مرا تصحیح میکنند میگویند آنچه تو فهمیدی به عقیده ما درست نبود و ما را تأیید می کنند میگویند عقیده ما هم همین است و بر آن قوی که ما با اکثریت ما، اکثریت مردمی که این سخنان را می شنوند اتفاق می کنند این میشود قول حزب و قول رستاخیز و با آن قول و با آن بیان و با آن مفهوم فضای رسالت و فضای مسئولیت رستاخیز مشخص میشود و آن وقت در برابر آن فضا همه مسئولند هر کس در شان خودش و مجریان محترم در بیان و مقام خودشان در برابر آن فضای رستاخیز و رسالت رستاخیز مسئول هستند قوی است که می گویند تاریخ بزبان ایماه و اشاره و بزبان نشانه ها و سمبل ها می گوید ولی من در اینجا می خواهم عرض کنم که یکی از نشانه ها که این روزها خیلی مورد گفتگو است خود ترکیب دولت است که جناب آقای نخست وزیر بعنوان دولت رستاخیز معرفی فرمودند خوب همه شاید با تعجب و شاید هم با تعجبی بیجا بگویند که این ترکیب همان ترکیب قبلی است همه در جایگاه خودشان مستقر هستند و دولت با همان هیئت سابق بمجلس معرفی شده اند این عقیده من یک سمبل است یک نشانه است نشانه ای است که باید تجزیه و تحلیل شود و به عقیده من بسیار بر معنی است اگر در مقام تجزیه و تحلیل های سابق و ادوار پیش بودیم در شکلی که هنوز آئین نامه مجلس هم آن را تجویز می کند یعنی بررسی از نظر موافق و مخالف که مخالف هم در پی نکته گیری و احیاناً عیب جوئی بود آنوقت این سمبل را اینطور تجزیه و تحلیل میکنم که سابق برای گام گذاشتن به عصر رستاخیز فقط یک معاون کم داشت و اکنون با داشتن یک معاون جدید تبدیل شده به کابینه رستاخیز عجیبی هم شاید نیست لابد موافق هم می آمد و توصیه می کرد که بسیاری از پدیده های طبیعی و کیفیات انقلابی موجب اتش بتدریج فراهم می شود یعنی کاسه ای که آب هست بخواهیم یخ ببندد کم کم سرد و سرد ترمی شود ناینکه کاملاً یخ ببندد و یک وقت هم پر کاه تویش بیندازی قرص یخ می شود و این از کیفیات طبیعی است اینجا هم شاید این معاون معجزه گر یکبار کابینه عصر قبل از رستاخیز را به عصر رستاخیز تبدیل کرده اما از این تجزیه و تحلیل بگذریم و بیائیم این نشانه های تاریخی

را در یک مجرای ژرف تری میورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار بدهیم بعقیده من آنچه را که این بار دولت کرد کاری است منطبق بر اصول ژرف رستاخیز، این نشانه ایست از ظهور موج سوم، یعنی چه؟ البته این توجیهی است که من می کنم و شاید باین توجیه بخصوص که من دارم آنها نیکه مشرب دیگری دارند تطبیق نکنند و خوش آیند نباشد ما در ادوار گذشته در موج اول که بسیاری از خصوصیات جامعه کنونی ما را میسازد و در شخصیت هر یک از ما هم جای پاهائی دارد قرار داشتیم این موج اول باین صورت است که هر چیز بهمان شکلی که هست خوبست و مورد قبول است و کارش هم نمیشود کرد تا قبل از دوران مشروطیت ملت ایران بروج اول تاریخ میوار بود هر چیز را بهر کیفیت که بود قبول داشت و معتقد بود که کارش نمیشود کرد انبوه زارعان و دهقانان کشور بعنوان رعیت شب و روز شلاق می خوردند و میگفتند نمیشود کارش کرد این تقدیر ما بوده است این موج اول است، قبول وضع موجود. آنگاه بیک موج دوم برخوردیم این موج دوم، موج پرخاشگری است موج شک و تردید است موجی است که هیچ چیز را قبول نکنند این موج در زندگی ملت ایران از سالهای پیش از مشروطیت آغاز شد شاید او جوش را بشود گفت سالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ بود که همه چیز باید داغان بشود همه سنتها باید متلاشی بشود و همه مبانی اجتماعی باید در هم نوردیده بشود اگر چیزی در موج اول با سم اخلاق بود نباید باشد و اگر چیزی در موج اول با سم مرز بود نباید باشد اگر چیزی بنام وحدت بود نباید باشد باید متلاشی شود و بهم زده شود موج دوم این انعکاس و عکس العمل زیاده رویها و کج رویهای موج اول است و نه تنها مربوط به جامعه ما است بلکه در تمام دنیای امروز بسیاری از کیفیات است که واقعات آن ها بر اساس شناخت موج دوم تجزیه و تحلیل میشود شورشها و طغیانها و بسیاری از کیفیات جامعه غربی و زائیده شرفی جامعه غربی همه سوار بروج دومند همه چیز را میخواهند بهم بزنند، حالا چه میخواهید جایش بسازند معلوم نیست. موج دوم افتخارش این است که میگوید این آدم پیدا شد که فلان چیز را بهم زد. در موج دوم همه کسانی هستند که این اساس و آن اساس و این بنیاد و آن بنیاد را بسم میزنند، اما موج سومی هم هست و با اعتقاد من

موج سوم موج رستاخیز است ، موج سازندگی است ، موج شک و شناخت در تمام برداشتهای موج اول و دوم است یعنی اگر میکویند فلان چیز باید باشد ، یک چیز مقدس است ، این موج سوم می پرسد چرا و تجربه و تحلیلش می کند ، اگر براساس اصولی که مورد اعتقادش هست آن سنت مقدس و جاوید شناخته شد و بقای آن ضرورت زمان و ضرورت حیات ملت بود باید باشد ، موج دوم چیزی را میگوید نباید باشد در موج سوم تحلیل میشود اگر مبانی آن مورد قبول قرار گرفت باید ویران شود اگر مبانی آن مورد قبول قرار نگیرد باید خوبی های آن محفوظ بماند و از بدی ها پیراسته شود ، به همین دلیل این سبب تغییر کلینت در موج سوم قابل بررسی است یک کسی باید پرسد چرا کسطنی باید بماند و چرا باید تعویض شوند ، اول ضابطه های این کار را بسازید ، موج سوم ضابطه ساز است ، چرا آقای ایکس نه ، و من برحسب خود خواهیم بلی ، این که نشد ، بینیم ضابطه چیست ؟ معیار چیست ؟ اصل ساختن معیارهاست ، معیارها باید ساخته شود تا براساس آن بشود گفت چه کسی خوبست و چه کسی باید بماند و چه کسی نباید بماند ، براین مقدمه که شاید اندکی طولانی بود و مرا می بخشید که ناگزیر بودم بعنوان کسی که در یک دوران فارغ از مخالفت و موافقت صحبت می کنم توضیحاتی بدهم عرض می کنم کوشش من این خواهد بود که مفاهیمی که در تلو عبارات این برنامه هست تا جایی که وقت بمن اجازه میدهد آنها را روشن بکنم و این کاری است که بگمان من و بنابه پیشنهاد من چنین می بایست کرد که البته آقایان دیگر مرا تصحیح خواهند کرد. بنابراین در مورد برنامه دولت ، باصطلاح بیانییم وارد بشویم به متن این برنامه ، با اعتقاد من این یک برنامه ایست درآستانه موج سوم یعنی یک چیزهایی از اصطلاحات پیشین در آن هست اما تلاشهایی هم هست شاید مجدانه برای اینکه برنامه از شکل سابق انتقال پیدا کند به برنامه عصر رستاخیز ، مجموع برنامه دولت که من یکی دو بار مطالعه کردم صحنه برخورد هست و صحنه تماس هست برای اینکه یک ملتی در تکنولوژی برنامه نویسی میخواهد خودش را تدریجاً از مفاهیم متداول قرض گرفته و وام گرفته کارشناسانی خارجی نجات بدهد و در جو ملی و سیاسی و رستاخیزی ملت خودش برنامه نویسی کند یک تلاش در تار و پود این برنامه براین منوال است ، هنوز اصطلاحات پیشین خلاص نشده ایم ، هنوز صحبت از

رشد مطلق اقتصادی در عبارات هست اما در عبارات دیگر کوشش میشود آن مفهوم رشد مطلق اقتصادی با عبارات و کلماتی تکمیل شود در یک جا از این برنامه اشاره بسیار ظریف و قابل توجهی آمده ، آنجائی که گفته میشود مخصوصاً ایجاد تکنولوژی اصیل ایرانی ، این مطلب بسیار با اهمیتی است که شاید در جای خودش مورد بحث و تحقیق قرار بگیرد اما اولین چیزی که هست و قابل توجه است این است که مادر خود این برنامه با تکنولوژی برنامه نویسی سروکار داریم که این تکنولوژی را هم باید مثل سایر تکنولوژیها که میخواهیم ملی کنیم ، و از نهادهای بومی و ملی برای آن موجبات تغذیه فراهم کنیم یعنی داده های آن را از برداشتهای عینی خودمان بگیریم و سیستمهای برنامه دهنده خودمان را با این نهادهای اصیل تغذیه کنیم . در مورد تعیین استراتژی برنامه ، در مورد تعیین الگوهای اصلی ، ما باید یک تحول اساسی و یک تحول کلی را مورد توجه قرار بدهیم مدلهائی که ما تا کنون برای تنظیم برنامه های عمرانی کشور داشتیم مدل هائی توصیه شده و مدلهائی بوده است که ما وام گرفته ایم در این مدل ها فقط به مطلق رشد اقتصادی توجه می شد و به محتوای درونی این رشد توجه نمی شد و دلیلش هم روشن و آشکار بود برای اینکه هنوز از تکنولوژی برنامه نویسی غربیان بخصوص آنچه را که برای کشورهای با اصطلاح در حال رشد توصیه کردند هرگز به مفهوم اصیل برنامه ریزی با ضوابط و قواعد ملی توجه نشده است دلیل دارم ، آنچه که مورد نظر استراتژیست های بین المللی برنامه نویسی است اینست که البته معمول نموده است در مجلس زیاد اسم های خارجی بیاید ولی چون بحث علمی است شاید بی جا نباشد که این اسمها را بگوئیم کلید آن برنامه نویسیها که بر محور « کینس » و « رستو » پایه گذاری شده است این بر وجوه مشترک جامعه های بشری توجه شده ، یعنی دوتا جامعه را بگیرد و دوتا ملت را بگیرد و مورد مطالعه قرار بدهد ، این دوتا ملت یک نقاط مشترک و مشابهی دارند و یک نقاط غیر مشترک و غیر مشابه با هم دارند که البته یکمک یک ابعاد ریاضی و به کمک یک گرفته ها و داده های ریاضی معلوم میشود که این جا به چه درآمد ملیش چقدر هست و چقدر از درآمد ملیش را هزینه می کند و چقدر از درآمدش را سرمایه گذاری می کند اگر شما جوامع مختلف بشری را با این مللک های تنه و با این مللک های ثابت و خشک مورد بررسی قرار بدهید بسیاری

از جوامع بشری با هم مشابهتی پیدا می کنند از نظر همین معیارها ، اما همین اجتماعات با هم یک تفاوتها دارند که آن تفاوتها معلوم نیست که اثرشان و نفوذشان از آن نقاط مشترک کمتر باشد ، تکنیک برنامه ریزی متداول بر اساس اتکاء آن نقاط مشترک است . تکنیک برنامه ریزی ملی که با عقادمان در عصر رستاخیز باید بان پناه ببریم و همین سندی که در اینجاست نشانده تلاشهای مجدانه است برای رسیدن بان مرز باید بر اساس واقعیات جامعه خودمان تنظیم شود . مدل ما تنها رشد نیست ، این رشد هدف دارد ، اقتصاد در قالب اقتصاد قابل توجیه و تفسیر نیست اقتصاد معطوف به هدف و آرمان است اگر من بخواهم باختصار عرض کنم که این مدل چه جور باید باشد عرض من اینست که من این برنامه را از قسمت آخرش شروع میکنم از آنجا که میگوید مسائل فرهنگی و مسائل مربوط به کل حیات ملت ، مسأله دفاع مسئله سیاست خارجی ، اول باید ببینیم این مجموعه کلی که در طول سالیان دراز ساخته شده و امروز بنام ملت ایران وجود دارا این هدفها و آرمانهایش چی هست ؟ اقتصاد نیست بگز وسیله ای برای تأمین آرمانهای یک ملت (احسن) پس ابتدا باید ببینیم آرمانهای برنامه توجه کنیم ، در یک جا یک عبارتی آمده است که ما در عین حال که بفکر رفاه و تأمین نسلهای آینده هستیم بفکر رفاه نسل کنونی هم هستیم با اعتقاد من در یک بینش جدید و یک بینش رستاخیزی این توضیح و توضیحات است زیرا در این عبارت رفاه بمعنی خیریه ای مراعات شده است اقتصاد رفاهی یک اقتصاد خیریه ای نیست (صحیح است) ما به کارمند ، به کارگر ، به کشاورز اگر موجبات درمان میدهیم اگر بنام فرزندان این کشور موجبات آموزش او تغذیه رایگان میدهیم نه به دلیل اینست که ما از یک جایی زیادی پول آورده ایم و از یک گنجینه این پول زیاد آمده مثل یک آدم پولدار که وقتی زیادی پولدار میشود بفکر خیرات می افتد این بینش خیراتی با بینش رفاهی فرق دارد رفاه یعنی ایجاد امکانات در نسل کنونی بنظور اینکه بتواند شکفته شود شکوفائی پیدا کند و قدرت خودش را تجلی بدهد بنابراین اگر ایجاد امکانات رفاهی را با این اعتبار بگیرد حال و آینده درهم مدغم است و از هم جدا نیست امروز شما رفاه فراهم می کنید یعنی چه ؟ یعنی بچه ها را به مدرسه میفرستید اگر سیستم آموزشی صحیح تنظیم شده باشد از هر یک از این افراد یک انسان کارآمد و قابل میسازند با روحیه متناسب که بتواند کار کند و خواهد

کار کند و عاشق کار باشد و فنای آرزایش باشم این چنین موجودی را تحویل میدهد خانواده او را تقویت میکند که فرزندش را هدایت کند و حمایت کند اگر دمت تنگ است باو قابلیت کار می بخشد برای اینکه بتواند درآمد بیشتری داشته باشد اینها همه اجزاء سیاست رفاهی است اما این رفاه ثمراتش در آینده است خود این کیفیت رفاه نیل کنونی است که در منطق بر سیاست رفاهی ملی باشد موجبات احیاء و تأمین رفاهیت نسل آینده را فراهم میکند پس معنی این عبارت قدری برای مادشوار است ما مگر روی پایستی داریم ما میخواهیم بآینده مملکت فکر کنیم ما محکم میگوئیم این ملتی که بدست ما سپرده شده است و ما بعنوان یکی از زنجیره های متوالی ملت ایران امروز در میهن ایوانیان زندگی میکنیم در آینده هم باید باشد و تمام مساعی ما مصروف به این است که در آینده هم این ملت با این فرهنگ و با توانائی خلق و ایجاد در فرهنگ ملی خودش باقی بماند مگر با کسی رود ریاستی داریم ؟ که میگوئیم تبصره ، اما در عین حال میخواهیم ملتمان در آینده مورد صیانت قرار دهیم نسل کنونی شما هم نگران نباشید ما در فکر شما هم هستیم یک قدری در یک چنین تعبیری بینش خیریه ای موج میزند یک اقتصاد رفاهی اقتصادی است که حال و آینده را با هم میسازد هیچ چیز را فدای هیچ چیز نمیکند چون هیچ ضرورت ندارد سلامت امروز شما ضامن سلامت فردای شما است ولی وای ، وای بر آن انسانی که تنها و تنها بفکر سلامتش باشد . انسان بی ایده آل عصر ما ، انسانی که موج دوم را در تمدنهای غربی ساخته ، آن کیست ؟ آن انسانی است که شکمش سیر ، برچو دراز از رفاه اما جس میکند که توجهی برای زندگی ندارد . بهیند آقایان یکوقت ما گوشه ای از مجلس می نشستیم مخالف و موافقی وجود داشت که امروز آن وضعیت تمام شده است به برکت اندیشه رهبر بزرگ ملت ما آن دوره تمام شده حالا بیائید با هم دیگر و صمیمانه با هم بحث کنیم و راه ساز آینده مان باشیم من قرض گرفتن را برای تکنولوژی و طب زیان بخش نمی بینم مفید هم هست در اتومبیل سازی مفید هم هست اما یک چیزهایی است که فرهنگ و آرمان از آنها جدا نیست در برنامه ریزی آنجائی است که همه موجودیت ملت ما با هم مدغم و عجین میشود در هم آمیخته میشود در اینجا ما میخواهیم بگوئیم که وام میگیریم چاره نداریم علمای برنامه ریزی هم در مکاتب خارجی اما یک چیز را با هم

توجه کنیم این علمائی که برای جامعه خودشان برنامه ریزی کرده اند امروز از آن راضی هستند یا نه؟ راه سنکلاخی را که دیگران تجربه کرده اند دیگر ما برویم راه علم را برویم.

راه تکنولوژی را برویم اما باید بررسی کنیم خود اینها که این اساس را گذاشته اند راضی هستند؟ اگر راضی هستند که چه بهتر بدنبالشان برویم اما اگر ناراضیند، آنها که جامعه بزرگ خودشان را آزمایشگاه کرده اند آنها که یکزمان در دوره استعمار میخواستند ما را استعمار کنند و داروهایشان را روی ما آزمایش میکردند تاریخ همه آنها را، کشورشان را آزمایشگاه کرد و راههای رفته آنها را بماتشان داد امروز ما باید در اصول برنامه ریزی خودمان دستم کنیم برنامه ای که تنها معطوف به ریشه میشود شمارآمداری خودشان توزیع میشود این نشد در آنجاها میگویند فقط به رفاه فکر کنید دیگر بقیه مسائل اجتماعی حل است. یک انسان مرفه یک کارت در جیب بغلش باشد که اگر زیر ماشین رفت یک آمبولانس بیاید و او را ببرد به بیمارستان و یک شاهی ازش نگیرند یا مقدار کمی بگیرند یا اقتدار که میتواند بدهد این اجتماعات امروز بمشکلات عظیم برخورد پیدا کرده اند نسبت به مبنای تمدنی که در آن قرار گرفته شک و تردید دارد میگویند علم میگوید بچه دردمنا میخورد میگویند سلامت و درمان میگوید برای چه ما را سالم نگه میدارید ما را سالم نگه داشتید برای چه؟ پس راهی را که آنها پیموه اند بهترین راه نبوده است راهی بوده که در یک معجونی از موج اول و دوم گرفته شده است ما را همان در موج رستاخیز است انسانها بخاطر آینده شان زنده هستند و بخاطر آرمانهایشان زنده هستند این آرمانها مجموعه ای و ترکیبی از ملتها را بدید میآورد و رسالت و فرهنگ ملتها را بوجود میآورد به دلپان بان خوش نباشد که اسباب اینقدر تولید کردیم و اینقدر پس انداز کردیم و سرمایه اندوزی کردیم و سال دیگر این رقم را تا دو و سه برابر بالا میبریم دلپان باید خوش باشد که ما چگونه بدنبال این آرمان باشیم که از ابزار و مسائل علمی و اقتصادی خودمان در راه آرمانهای خودمان استفاده نکنیم و ما انسان سالم لازم داریم اما اگر آرمان و ایده آل نباشد وجودش باطل است این بطلان وجود و بهبودی را یک توقع جبن میکند و آتوق با شکم پر و جیب پرش و آن مطالبی که آرمان و فرهنگ و هدف را از او گرفته قیام

میکند راه رفته دیگران را برویم ولی با ایمان کامل تجزیه و تحلیل کامل تجزیه و تحلیلی که لازمه موج سوم است زیرا هرچه دیگران گفتند که درست نیست حرف خویشان هم ممکن است درست نباشد باید تجزیه و تحلیل بشود در اول کار در اول بسم الله احتیاج به یک ایده نولوژی داریم احتیاج به تنظیم یک استراتژی در برنامه ریزی ملت ایران داریم باید وحدت ایجاد شود من امیدوارم که در برنامه های کامل آینده دولت مشکل ایده آل برنامه ریزی با دقت و قوت و قدرت خودش آشکار شود و اثرات خودش را نشان بدهد اقتصاد ما مثل هر اقتصادی تنگناهایی دارد اقتصاد ما شاید بطور ممتاز و بطور رستاخیزی و بطوری که در اقتصاد های دیگر شاید مطرح نشده باشد باید دارای هدف باشد و این راه باید بمنظور سازندگی و بمعنی ایجاد شکوفائی در تمام جمعیت به برکت آموزش و پرورش به برکت تعمیم واقعی و درمان و بهداشت باشد و این چنین رفاهی باید بدید بیاید و وجود داشته باشد ولی این رفاه هم حد کامل نیست. حد برنامه ریزی رستاخیزی رسیدن بمرز فرهنگ و آرمان خواهی است. رفاه و آرمان خواهی و احساس رسالت ملی آن چیزی است که باید دواستراتژی برنامه ریزی ما، بصراحت و با دقت مورد تجدید نظر قرار بگیرد در برنامه دولت نکات دیگری درخور این هست که مورد تذکر قرار بگیرد یکی در زمینه آموزش و پرورش است در زمینه آموزش و پرورش راه زیادی را طی کردیم اما نسبت آنچه پیموه ایم به آنچه که باید به پیمایم نسبت دانائی من است به جهل من خیلی راه طولانی و عظیمی در آینده در پیش داریم و این راه باید با گامهای استوار پیموه شود هیچ انقلابی به ثمر نرسد مگر آنکه موجودیت آرمانهای خودش را وفق بدهد با انقلاب آموزشی و دارای دستگاهی باشد که بتواند انسانهای عصر رستاخیز و انقلاب را بسازد ما راه طولانی در پیش داریم ولی من میخواهم فرصت بگذارم برای دوستان ارجمند که بعد از من میخواهند صحبت کنند و فقط اشاره میکنم به تعلیمات رایگان که از جانب شاهنشاه دستور اجرای آن صادر گردید که یکی از افتخارات مختصر است اما نگذارید در این عصر تنصیر بیاوریم امان از تنصیر، تعلیمات رایگان یعنی تعلیمات برای استفاده کننده رایگان باشد و دیگر اونباید چیزی بدهد برای آنکه آنچه را که باید بدهد بانیروی کار و کوشش خودش در ایجاد درآمد ملی که بدید میآورد قسمتی از آن را بموجب قوانین دولت برای کار آموزشی میپردازد نه اینکه نباید بدهد و هیچ

ربطی هم به آموزش به عنوان خیرات ندارد مسیبر پرداخت وجه آموزش تعمیر پیدا کرده است استفاده کننده در آموزش رایگان نباید چیزی بدهد مساله خدمات جنبی یک تنصیر است بر آموزش رایگان، این را شمارا قسم میدهم بهرچه اعتقاد دارید مواظب باشید کاربرد از یک لحظه شروع میشود همانطور که بنیادهای نیکو در یک لحظه نهاده میشود شما هیچ مدرسه ای اجازه ندهید که بهیچ بهانه ای از استفاده کننده از آموزش چیزی بگیرد اتوبوسی اگر لازم است معلم را دنبال اتوبوس و چک و چانه زدن با راننده و کمک راننده نفرستید بگذارید این کار را یک دستگاه دیگر بکند این خدمات را شهرداری باید بکند یک فکری بکنید که ماهم شهرداری داشته باشیم این یک نکته است و زردی است ما بانومازی بسیار موافقیم یکی از اصول انقلاب ما است ایما نوسازی تمام اعتباراتش باید پاید وسط شهر تهران آنجا صرف شود؟ این صحیح نیست اگر هم صحیح است پیانیم دو برنامه را از هم تفکیک کنیم یکی برنامه ایست که متناسب است با یک خود بزرگ سنی و برنامه های عظیم ۲۰۰ میلیاردی یا بیست میلیاردی این برنامه ها را بگذارید در یک سازمان مناسب و وظایف بزرگ بینانه را از وظایف شهرداری تفکیک کنیم بگذارید شهرداری زیر پایش را ببیند شهرداری فن دیدن زیر پا است شهر تهران کثیف است من اعلام میکنم هر موقع روز و شب در هر وضعیتی از جانب هر مقامی از محضر آقای شهردار که بخواهند کثافات شهر تهران را به ایشان نشان بدهیم آماده هستیم بما یک شهرداری بدهید که خاک روبه هارا جمع کند بما یک شهرداری بدهید که سیستم اتوبوسرانی را اداره کند بما یک شهرداری بدهید که بچه ها را از منزل بمدرسه ببرد و اگر لازم است از مدرسه بمنزل برگرداند شهرداری ما دچار عقده های خود بزرگ بینی شده است من هم مخالف نیستم بشرطی که یکی هم باشد به کارهای اصلی رسیدگی کند یکی هم باشد بکارهای بزرگ برسد یک مملکت همه کارهای عظیم نیست بسیاری از آن به حیثیات و آبروی مردم بستگی دارد

رئیس - آقای دکتر عاملی وقت جنابعالی تمام شده است.

دکتر عاملی تهرانی - من امیدوارم در فرصت های دیگر باز بتوانیم با هم صحبت کنیم (احسنت).

رئیس - آقای بنی احمد بفرمائید.

بنی احمد - با کسب اجازه از مقام ریاست و همکاران

محترم در ساحت مقدس مجلس عزایضی را باستحضار میرسانم. مسائل علمی و آکادمیک و بحث بسیار شیرینی را همکارم آقای عاملی فرمودند از آن استفاده کافی بردیم اگر کسی اینجا صحبت نمیکند و مطالبی را تجزیه و تحلیل میکند ملاحظاتی دارد که این ملاحظات را طرح میکند و بنظر من این خود بدعت بسیار جالبی است در عصر رستاخیز که ما شمعی پیدا کردیم که دور آن جمع بشویم و شادابی اجتماعی خود را بدینا نشان بدهیم بعد از انقلاب ایران انقلاب شاه و ملت، جامعه ما واقعاً دارد شکوفائی میشود مخصوصاً بعد از فرمانی که شب ۱۱ اسفند صادر شد همه ملت ایران منتظر آن بودند از آن پس همه بفعالیتهای اجتماعی پرداختند این فرمان افراد فعال را فعال تر کرد و افراد منزوی هم بیدار کشیده شدند فرصتی شد که هر کس استعداد توانائی و قدرت کار کردن دارد در یک فضای سالم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قدرت خودش را نشان بدهد بنابراین در چنین عصری ما زیاد، روی تغییر قیافه ها تکیه نمیکنیم و اصولاً تغییر در قیافه ها ضروری نیست مساله ایست که قیافه هائی که ما داریم مدیران اجرایی که ما داریم چه مقدار توانائی تطبیق با رویدادها را با خود دارند اگر این ظرفیت را دارند چرا باید تغییر کنند اگر توان کاری در گذشته بوده که شخص جناب نخست وزیر شاید یکی از شخصیت های بارزی بودند که انتقاد را پیشگام شدند و بیعت و گفت و شنود را گشودند دلیل این است که شخص جناب نخست وزیر توانائی تطبیق با حوادث و مسائل و آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد در قیافه های اجرایی ما در کابینه یا هر میان وزیران دارند انقلاب بانیروی محرکه ای که داشته و شاهنشاه بزرگ ما در هر لحظه ای که ضرورت ایجاد کرده علت حوادث بودند و همین علت حوادث بودن بوده است که باعث شد ما امروز بمرحله ای برسیم که بگذشته خودمان تکیه نکنیم و افتخار بکنیم جناب آقای نخست وزیر در تشریح برنامه دولت تکیه ایشان روی شده و خواهد شد بود در تمام موارد ما به شده ها در بست ملاحظاتی داریم کارهایی زیادی شده و به آنچه خواهد شد واقعاً و صمیمانه امید بسته ایم کارنامه دولت هویدا مهر رضایت شاهنشاه و ملت را خورده است مولی نمرات ضعفی هم در آن دیده میشود که ما باید دست بدست هم بدهیم و در عصر رستاخیز این نمرات را بالا ببریم هر فرصتی از تاریخ میزان معینی از ظرفیت اجتماعی و سیاسی را میتواند تحمل کند و با خود داشته باشد

تحمل کند و با خود داشته باشد. اگر ضعیف در کار بوده ملاحظاتی بوده آنجائی بوده است که بعضی از اعضای اجرائی در ارزیابی قدرت ملی ما دچار اشتباه شده، شاعر دولتی را در دنیا در نظر بگیرید هر دولتی که بوده هر دولت معروفی که بوده و کارهای بزرگی کرده که کارش پاک و نمونه بوده ولی در عین حال خالی از عیب و نقص نبوده. وقتی عیب هایش را بررسی کنید میبینید باینکه بعضی مواقع همچنانکه همکار محترم اشاره کردند ذهنیت قضایا با عنیت تطبیق نمیکند. کارشناسان ما در وزرات خانه ها و در سازمانهای دولتی اعضای تحصیل کرده وطن پرست و شاهدویت هستند و احساس مسئولیت میکنند ولی برنامه های اروپائی و امریکائی را برخلاف نظر نخست وزیر که همیشه با ایرانی بودن تمام ایده پولوژی ها و برنامه هائی که پیاده میکنند تأکید دارند بعضی موارد در عمل با مشکلاتی مواجه میشوند ما ایراد برنامه ها نداریم ایراد در اجرای این کارهاست. در مورد ترافیک تهران ما شاهد بودیم که شاید چندماه پیش به صد هزار خانواده نامه مازک دار از طرف یک مرجع رسمی از طرف مدرسه فرستاده شده بود که ما سرویس نخواهیم داشت. اما ما بناگفته نشستیم تا جائیکه مدارس بازند و بعد ملاحظه فرمودید که ترافیک تهران بجه صورت درآمد بجای یک مینی بوس که میتوانست ۵۰ شاگرد را ببرد ۵۰ دستگاه ماشین آمد توی خیابان و هر کدام کنار مدرسه پارک کرد در صورتیکه آن ماشین ها بجه هزار امیردو همان مسیر را طی میکرد. البته من یقین دارم که دولت برنامه های زیادی در مورد عمران و آبادی دارد و اجرا میکند اما مشکلات روز را هم باید حل کنیم. مترو را برای تهران میسازیم ولی این مترو چه موقع بگذرد ما خواهد خورد. اگر می بینیم مترو مشکلات شهر پاریس را حل کرده بخاطر آن است که یک شهر پاریس دیگر در زیر زمین آنجا هست و نود سال تاریخ دارد. ما برای حل مشکل ترافیک تهران باید راه حل های فوری پیدا کنیم. آنچه بنظر بنده میرسد این است که در خیابانها مسیر مشخصی را برای تاکسی و اتوبوس باید تعیین کرد که ورود ماشینهای متفرقه بان ممنوع باشد. تا این ماشینها مردم را با سرعت بیشتری بسر کارهایشان برساند، این کار در تمام دنیا عمل شده. راه دیگری هم که صحبتش هست تغییر ساعات شروع مدارس است که گره این مشکل را تا حدودی خواهد گشود. در بعضی از مواقع می بینیم

که مسائل کوچک توجه نمیشود. مثلاً همین علائم راهنمایی را در نظر بگیرید، که در یک خیابان با فاصله چند متر با هم نمی خوانند. شما در یک خیابانی حرکت میکنید روی علائمی که کف خیابان نوشته شده و وقتی برس چهار راه میرسید یا تابلو گردش بجنب ممنوع برخورد میکنید بر است میروید و یک راه بندها نسماعته ایجاد میکند. چه ایرادی دارد که این علائم را بخط قرمز بزنید تا قبلاً راننده گان متوجه بشوند. اینها یک مسائل کوچکی است انتظار بزرگی که مجلسی رستاخیز و ملت ایران از دولت جناب هویدا داشته و دارد مسئله مسکن است (صحیح است). البته بنده در مورد مسکن خیلی خلاصه عرض میکنم، دو نظر دارم در مورد مسکن یکی اینکه دولت بجای اینکه روی مالکیت صاحب خانه کردن تمام مردم ایران کاری بکند فکری هم در مورد ارزان کردن اجاره خانه بکند (صحیح است) حساب بکنید یک کارمند که ۳ هزار تومان حقوق میگیرد منزلی که بتواند توی آن بشنید حد اقل باید ۳۰۰ هزار تومان پول خانه بدهد و یا ۲ سال با دادن ماهی ۱۰۰ تومان زیر فشار روستی باشد تا این اقساط را بدهد. تازه ۱۵۰ تومان یعنی ۵ درصد درآمد او که دادن این مبلغ واقعاً مشکل است. دولت باید با خودش یا بخش خصوصی را تشویق کند تا خانه های ارزان در اختیار مردم بگذارد. دولت مبارزه ای را شروع کرده برای جلوگیری از بوس بازی زمین و ملی من از همکارانم میبرسم آیا در ظرف این چهار سال که این برنامه شروع شده قیمت زمین پائین آمده؟ تا زمانیکه مبارزه با گرانفروشی شروع نشده بود هیچ تغییری پیدا نشده بود حالا هم که صحبت از پائین آمدن قیمت است معامله ای انجام نمیگیرد فقط موضوع رکورد است (مظهوری - رکورد مقدمه سقوط است) بنده استدعا میکنم در این مورد عنایتی فرمائید چون عملاً کفاف نمیدهد که منتظر رکورد و سقوط بمانیم و آنوقت صاحب منزل بشویم. دولت حزب رستاخیز نتواند روی اراضی محدوده ۲۰ ساله آینده شهرها مطالعاتی بکند. هیچ اشکالی هم ندارد که ما کارهای بزرگی برای رفاه ملت ایران کرده ایم، همچنانکه در امر مبارزه با گرانفروشی منافع ۳ میلیون نفر را در نظر گرفته ایم و هزار نفر را هم به حق زیر فشار گذاشتیم. چه اشکالی دارد که زمینهای بالای دو هزار متر بابر ورا که مانند در شهرها ملی شوند و دولت آنها را با بهای مناسب در اختیار مردم بگذارد و قیمت آنها هم برگردد به شهر دارها. در مورد صنایع

عرایض مختصری دارم. همکاری صنعتی در بخش دولتی و خصوصی متأسفانه خیلی ضعف دارد. ما کارخانه هائی داریم با واحدهای تولیدی بزرگی و با سرمایه گذارهای بزرگ ما ریخته گریهای عظیمی داریم، در جوار همین کارخانه هائی که داریم مصرف کننده این ابزار ریخته گنده هستند و فاصله شان هم یک سیم خار دار است اما باز قطعات را از خارج می آورند و مشمول معافیت ها هم هستند. این کارخانه ریخته گری و کارخانه های دیگر که با خون دل از ثروت این ملت درست کرده ایم بجای اینکه روزی با کیفیت کار بکند ساعت در روز کار میکنند. بعد یک هماهنگی صنعتی در بخش دولتی شروع بشود و بعد به بخش خصوصی برسد. تا این کارخانه ها با تمام ظرفیت کار بکنند تا آنچه که مورد توقع و انتظار شاهنشاه است آنچه که مورد انتظار ملت است جامه عمل بیوشد از جناب وزیر صنایع میخواهم استدعا کنم که یک تناسلی بین حمایت دولت از صنایع و درصد ساخت ایجاد شود. ما کارخانه هائی داریم که ۲۰٪ از ابزارها میسازند و ۵۰٪ قطعات را میسازند اینها از یک معافیت وارداتی استفاده میکنند کارخانه هائی که جعفر درصد میسازند و هیچ چیز نمیسازند این تفاوتها را در نظر بگیرید. (دکتر انجونی - صف درصد میسازند یعنی چه؟) یعنی مونتاژ میکنند ولی کارخانه هائی هم هست که راه ۵۰ ساله را در ده سال و بیست سال رفته اند. ۵۰٪ قطعات را میسازند و این ایده آل است برای ما از اینها حمایت جدی باید بشود. اینها برنامه های دارند برنامه های آنها باید کنترل بشود و حمایت بشود اگر در اینجا مطالبی گفته میشود علت آنست که ما مسئولیت داریم، تحمل شنیدن داریم، در عصر رستاخیز هستیم و شتاب داریم که جامعه خودمان را از جامعه مصرف کننده به جامعه تولید کننده تبدیل کنیم. شاهنشاهان هم زمان تعیین فرمودند که در هشت سال آینده به تمدن بزرگ برسیم و بهمین جهت است که ما شتاب داریم. در مورد برنامه های رفاهی اشاره شد یک رفاهی هست که ناشی از ثروتهای خدادادی طبیعی است و یک رفاهی است که ناشی از تبدیل جامعه مصرف کننده به جامعه تولید کننده است نوع اول با مصرف عام میشود ولی نوع دوم صیقل پیدا میکند و بهتر میشود. کشور انگلستان یا آلمان و اکثر کشورهای اروپائی را از منابع برشته با مغرورند با کم دارند. اما در سطح کشورهای پیشرفته باقی مانده اند. و علتش اینست که جای خود را در صف کشورهای تبدیل کننده حفظ کرده اند

و باین مرحله رسیده اند شتاب ما هم برای رسیدن باین مرحله است. ما رشد ناخالص ۸٪ درصد داشتیم، تورم هم داشتیم باید عوارض این کار را تحمل کرد. با کمی هم نداریم. اما مسائلی است که باید توجه کرد. ما دیدیم که دولت نزدیک زمان کوتاه در یک برنامه ای چنین بزرگ که کنترل قیمتها و مبارزه با گرانفروشی بود موفق شد. و ما توفیق دولت را در تمام زمینه ها آرزو میکنیم. اما یک تذکر کوتاهی عرض کنم و آن این است که وزیر بازرگانی یا وزیر صنایع و معادن عنایت فرمایند که کارخانه ها در عرضه و فروش مواد تولیدی خودشان مستقیماً با مصرف کننده ارتباط داشته باشند و دست واسطه ها را در این مورد کوتاه کنند. چه ایرادی دارد؟ یک کشاورز آذربایجانی باشد و برود به ماشین سازی تبریز و یک بوم چاه بخرد، آنوقت خواهید دید که این مسئله جعفر در قیمت مؤثر است. موضوع دیگری که در بخش صنایع بمشکل برمیخوریم مسئله ترخیص قطعات است. گاهی تا دو ماه ترخیص آنها طول میکشد و علتش آن است که اسناد آن در میسرند. چه اشکالی دارد؟ گمرکات نماینده ای بفرستند و این قطعات و کالاهای وارداتی بیاید در کارخانه یعنی بجای اینکه در گمرک پیاده شود بیاید بکارخانه و تعهد دو ماهه برای رسیدگی با اسناد از کارخانه بگیرند. این را از بخش دولتی شروع کنید و بیابید. بخش خصوصی اگر بدکار کردند آنها را تنبیه کنید. خود این مسئله از تورم و انباشته شدن کالا در انبارهای گمرک خودش مشکلی است که جلوگیری میکند. از طرفی کارخانه ای ممکن است بخاطر نبودن این قطعات بخواهد. بنده می خواهم به نکته اصلی عرایض برگردم و چون وقت کم است خلاصه میکنم و آن مسئله کشاورزی است. کشاورزی ما آفت گیر است آفت از موزوملخ را عرض نمیکم. مسئله آفت البته از دوران پیشی است، در مسائل کشاورزی زمان مطرح است باید مدتی انتظار کشید تا آنچه را که ما می خواهیم از بازار آوری کشاورزی برسیم. مادر بعضی امورات به مشکلاتی برمیخوریم که شاید برای دولت رستاخیز حل کردن آنها خیلی آسان باشد. با امکاناتی که دارد. ما الآن در شهر یورمان از مرز تا تبریز یک صف طولانی کامیون گندم داریم. البته گندم باید آورد چون فعلاً نداریم اما باید بگویم همین اسسال مقدار زیادی از گندم مملکت ما یعنی ثروت ملی کشور ما درو نشده یعنی کارگر نبوده. این مسئله البته قابل توجه است که ما یک رشد صنعتی داریم و جهش صنعتی کردیم و کارخونی هم کرده ایم. وین هم شخصاً طرفدار کم

شدن کشاورزان و طرفدار کم شدن ساعت کار کشاورزان هستیم، برای اینکه تکنولوژی پیشرفته این اجازه را میدهد که یک نفر بجای هزار نفر کار کند. اما همراه اینها ازدیاد محصول کشاورزی را هم می‌خواهیم چرا اسباب گندم درو نشد، جناب آقای وزیر کشاورزی خدمات کشاورزی ازشان گذشته گراتر شده است توجه بفرمائید هر هکتار زمین ۵۰ تومان شخم میشد الان ۵۰ تومان شده (یکنفر از نمایندگان - ۸۰ تومان) با احتساب فوق العاده ایست که سازمانهای کشاورزی به صاحب کار میدهد، بولدوزر ۴۰۰۰۰ تومان به ۵۰۰۰۰ تومان رسیده، نقشه برداری هر هکتار پنج برابر شده، بیابید این خدمات کشاورزی را ارزان نکنید تا برای کشاورز صرف بکنید تا محصولش را درو کنند این ثروت ملی ماست من حتی خدمت جناب وزیر کشاورزی تلگراف کردم تا سال گذشته بزرگ هر کیلویی ۲۰۰ تومان بود قبول دارم پارسال گران بود ولی اسباب از کشاورز ارزان می‌خریم کیلویی یک تومان و من که دو تین گندم گرفتم ۴ هزار تومان بدهکار شدم بجای اینکه پایابای بکنیم گندم دادیم اسباب هم گندم قبول کنیم (یکنفر از نمایندگان - راه نداریم) همین را عرض میکنم عامل تدارک عوامل کالاهائی که در شرکتهای تعاونی داشتیم تدارک عوامل زراعی ما جالب توجه نبوده است. تنها چیزی که خوب عرضه شده کالاهای مصرفی بوده است وامهای کوچک، و موقع پرداخت وامها در موعد برداشت محصول در بعضی موارد هماهنگ نبوده است. دولت در برنامه پنجم برنامه شهرک سازی دارد ۱۱۸۰ منطقه عمرانی و شهرک در نظر گرفته شده است در این مدت چیزی که ساخته ایم ۲۸۰ شهرک بوده که آنها هم نواقصی دارد و انجام این نواقص بوزارت خانه‌های مختلف واگذار شده. فرض بفرمائید پست و تلگراف و وظیفه خودش را انجام داده ولی راه نیست و این یک نا هماهنگی است که باید هماهنگ شود و باید سازمان یا اداره‌ای باشد که بتواند اینها را هماهنگ کند. عرض کردم که ما شتاب داریم وقتی ما ۱۱۸۰ شهرک را در ۵ سال باید بسازیم و تاکنون ۲۸۰ تا ساخته ایم سرعت ما باید ۴ برابر فرق بکند تا بتوانیم این تعهد خودمان را در برابر شاه و ملت انجام دهیم. ما در عصر رستاخیز دنبال شعاری هستیم که از آستین خودمان در نیابیم که ۱۰ سال در ۷ سال و ۵ سال در ۳ سال یا دداشتی رسیده جناب رئیس تذکری فرمودند اطاعت میکنم و عرضم را با یک جمله خاتمه میدهم و آن توأم با پیشهادی است. ما ۷ سال

پیش اگر آرزوهایی داشتیم بنام انجمن‌های ایالتی و ولایتی در شب ۱۱ اسفند با زندگی جدیدی که شروع کردیم و تولدی که پیدا کردیم و خانه‌ای که برای خودمان پیدا کردیم خانه من هم خانه حزب است مجلس شورای ملی هم خانه حزب است همه آنها خانه عشق است بنابراین با در این عصر نیازی بسازمانهای پارازیتی نداریم اطافهای اصناف را دیدیم که چه بلانی سر دولت و ملت آوردند (صحیح است) اینها را منحل کنید این سازمانها را بچینید هم ملت را راحت کنید و هم دولت را عرض دیگری ندارم (احسنت).

رئیس - آقای آزمون بفرمائید.

آزمون - جناب آقای رئیس، همکاران محترم ما در فضای سیاسی مطلوبی قرار گرفته‌ایم که محصول سالها تلاش رزمندگان راه حق، راه عدالت، راه ایران عزیز در بر توهذات مستقیم رهبران بوده است (صحیح است) ما امروز در فضائی قرار گرفته‌ایم که بحق بدنیادنیای بزرگ اعلام میکنیم ملت ایران هم هدف دارد و هم آرمان دارد و همه اینها بدینجا می‌خواهد برود میدانند چرا در صحنه بین‌المللی مبارزه میکنند که امروز چگونه در مجامع جهانی از حقوق ملت سرفراز ایران دفاع بکنند همچنانکه در همین ساعت وزیر کشور ایران تحت رهبری مستقیم شاهنشاه دارد از حق ایران در امر نفت آنچنان دفاع میکند که که دنیا میلرزد. ما در فضائی در این مجلس رستاخیز ملت ایران سخن می‌گوییم که اگر بگوئیم دارای وحدت ملی، عقیده واحد، برنامه مشخص برای سرفرازی کشورمان هستیم هرگز سخن بگزار نگفته‌ایم وحدت ملی در پرتو رستاخیز ملی منجلی شده است، تولید یافته است و بهترین مظهر آن همین مجلس است که ملاحظه میشود دوست عزیز و هم‌رزم گرامی من آقای عاملی بحثی کرد در خور مجلس رستاخیز ملت ایران بحثی بود ایده‌تولوژیک، بحثی بود که سازندگی داشت و بوازندگی این جمع در آن بین سخنی بود، در این باب که باید فعالیت‌های فیزیکی ما حتماً محتوای ایده‌تولوژیک، محتوای فلسفی داشته باشد. بلی انسان بی فلسفه، انسان بی هدف، انسان بی آرمان، سازنده نخواهد بود ولی مغرب میتواند باشد - ما در جامعه امروز جهان شاهد این چنین تخریب‌هایی که سازندگانش، بوجود آوردندگانش مردان و زنان بی‌هدف و بی‌منطق و بی‌فضیلت فلسفی هستند می‌شناسیم خوشبختانه جامعه امروز ما از این دگرگونیهای مغرب و ویرانگر در مقام

مقایسه آنچه که امروز در جهان وجود دارد بسیار برکنار است و این منطق دارد و منطقش پیروزی انقلاب ایران، منطقش آن چیزی است که طی ۱۰ سال اخیر به جامعه ایران داده شده است و در جامعه ایرانی ساخته شده است با مشارکت و باتوان مردم این سرزمین و تردید نداریم آنچه طی پانزده سال گذشته و تا امروز بمنصه ظهور رسیده است زیربغائی است برای پرش منطقی تر که هم امروز در آغازش قرار گرفته‌ایم و تصور نکنیم فقط جمع کوچکی یا گروه معینی، فرد مشخصی میتواند در این پرش در این سازندگی در این رستاخیز همه سهم رداشته باشد این تمام ملت ایران هستند که می‌بایست تلاش خودشان را افزون کنند که دولت متعلق بملت و دولت برگزیده شاهنشاه، دولت سازنده ایران عصر و زمان، برای نودای مملکت سرفراز تر باشد اگر هماهنگی مردم نباشد اگر کمک بی‌دریغ ما نباشد که آن روح وحدت ملی را ایجاد میکند بی‌تردید می‌توان انتظار داشت یک وزارتخانه یک دستگاه اجرایی یک خدمتگزار در جامعه ما آنچنان که روزگار ما طلب میکند موفق گردد. بی تفاوتی‌ها باید هرچه بیشتر از میان برود همه‌ها شریک بد و خوب این جامعه هستیم باید این گرایش که تمایل به محکوم کردن دیگری دارد تا در پناهش خودش را میرا کند سرکوب شود در جامعه باید بدانیم اگر تقصیرای وجود دارد مربوط به جامعه ما است و اگر پیروزی وجود دارد مربوط به جامعه ما و همه ما است ما در تاریخ سیاسی ملل غور و بررسی که میکنیم باین اصل میرسیم که چه در موج نخست چه در موج دوم چه در موج سوم که بنظر من این امواج مخلوط شده اند و هنوز مرزی برای مشخص کردن این امواج نمی‌توانیم در نظر بگیریم زیرا در عصر حاضر موج نخست وجود دارد و اگر در کشور ما وجود ندارد به اعتبار رهبری صحیح رهبر ما بوده است اما امروز کشورهایی در جهان هستند که در موج اول قرار دارند و کشورهای بسیار در دنیای پر تلاطم ما که همچنان در موج دوم درجا می‌زنند هنوز فضای سیاسی جهان از موج دومی که در قرن هجدهم متولد شد - میرا نشده است هنوز آن موج بعنوان زیر بنای یک تفکر فلسفی بر بسیاری از جوامع چه احاکم، چه محکوم حکومت میکنند و موج دوم وجود دارد و اما موج سوم، می‌رود تا در بطن موج اول و دوم با بکیرد و چه سرفرازی است اگر این باگیری

در فضای سیاسی ایران طنین خودش را آنچنان استوار کند که جهانیان بدانند در ایران نظمی دز شرف تولد و تکوین است که نظم سرفرازی انسان‌ها و آزادی خلق‌ها و برافراشتن پرچم انسانیت در سراسر جهان است دنیای ما دنیای برتری اندیشه و فکرات چندی پیش مقاله‌ای خواندم از آقای امیرعباس هویدا، راه عقل، چه زیبا، چه عمیق، همین مسئله را بررسی کرده بود و این جابجوان یک نویسنده محقق در مسائل اجتماعی می‌گویم بسیار صحیح اندیشیده بود و آن مرد محقق و متفکر این جا بعنوان نخست وزیر که تشریف دارند و برنامه خودشان را به مجلس شورای ملی ایران داده‌اند به ایشان عرض میکنم من در برنامه شما آن روح فلسفی را دیدم، با چند تفاوت کوچک. ما خوشحالیم که همه ما بعلت دو چیز، یکی تجربیات غنی از بازار آشفته سیاست‌های کهنه‌ای که در این کشور بوده است شاید بغیر از یکی دو نفر که در جمع ما هستند بقیه افراد روزگار ۵۰ و ۶۰ سال پیش این مملکت را فراموش نکرده‌اند دوم بعلت آموزش که از این تجربیات گرفته‌ایم که این را من می‌گویم آموزش سیاسی و اتفاقاً یکی از مسائلی که در این برنامه بان برنخوردم تا کنید بر این آموزش سیاسی است این را کمی بازر تر مورد تحلیل قرار بدهم امروز حزب ما از دولت جدا نیست دولت حزبی است از حزب رستاخیز ملت ایران که در بر گیرنده همه ملت ایران است اما هر جزئی از این رستاخیز عظیم که بنظر من حزب رستاخیز ملت ایران از گان سیاسی این رستاخیز میتواند باشد رستاخیز را من چیز وسیع‌تری میدانم و همه ما میدانیم هر جزئی از این رستاخیز یک وظیفه‌ای دارد اما در این اواخر بازارها و بازارها باین مسئله برخورد کردیم که بعلت ضعفی که در فلان دستگاه اجرایی بوجود آمده بود حزب رستاخیز آن کار را گرفت قبضه کرد و دارد انجام میدهد این میتواند جزئی از وظیفه حزب رستاخیز ما باشد در شرایط خاصی، اما حزب رستاخیز وظیفه مهم‌تری دارد ساختن مردان و زنان سیاسی در جامعه ما، برنامه سیاسی برنامه فلسفی را در کجای این برنامه دولت گنجانده‌اید این را ملت ایران، همان جوانانی که بیشتر مورد هجوم اهریمن صفات هستند طلب میکنند. دوستان، آموزش سیاسی، درک فلسفی نسبت بحرکت مادی، اگر این درک نباشد حرکت مادی میتواند مغرب باشد اگر این درک نباشد در بسیاری از حرکت‌ها در جامعه سربار دیوار خواهیم کوبید و حتماً به بن بست میرسیم بکوجه‌های بن بست البته تاکید دارم بر این که ما در این حرکت

بزرگ انقلابی ایران به کوچه‌بین بست نرسیدیم ولی مشکلاتی کوچکتر از آنچه که مافکر میکنیم وجود دارد که امواجی که ایجاد میکند بازتابی که دارد زیاد است حیف است در مبارزه اصولی دولت موفق است در سازندگی عظیم ملی دولت موفق است ولی بطوریکه دوستان من در اینجا گفتند زیاده‌ای که در شهر می‌ریزد مردم را ناراحت میکند من جناب آقای نخست وزیر، بارها این مطلب را خدمتتان عرض کردم یکبار دیگر هم عرض میکنم شخصاً به جنوب شهر رفتم و در آنجا مناظری دیدم که واقعاً قابل دیدن نیست به منطقه غرب تهران جنوب مهرآباد بروید به بیند من در آنجا گفتم همه فرزندان این مملکت بچه‌های شاهنشاه هستند (صحیح است) اگر بچه‌ای از شمال شهر بتواند سالی بیست هزار تومان، ده هزار تومان هزینه مدرسه بپردازد دلیل ندارد از همان سطح آموزش و پرورش بچه‌های شاهنشاه در جنوب شهر استفاده نکنند باور کنید این را به حقیقت میگویم تشریف بیاورید بنده هم مثل آقای عاملی شمارا میبرم و آنچه دیدم نشانتان میدهم آیا شهرداری قادر نیست این کثافات را از جنوب شهر جمع کند من خیال میکنم شما افراد داخل ازجان گذشته در این شهر زیاد دارید که بیاید اینکار را انجام بدهد من فکر میکنم جامعه ما فرزندان زیادی دارد برای انجام این خدمات و اگر شاخص طراز اول کم داریم کسی که بتواند جنوب شهر را پاک کند کسی که بتواند خیابانها را پاک کند کسی که بتواند آب آلوده را در جویها روان نکند زیاد داریم مطمئناً کم نیستند. من پیشنهادی دارم و این را پیش خودم فکر میکردم چرا ترکیب دولت تغییر نکرده البته سخن زیاد است اما این فکر را من میکردم که یک روحیه‌ای در ما ایرانیها وجود دارد که محصول دوران گذشته است و انشاءاله رستخیز این روحیه را که بنظر من سالم نیست از بین خواهد برد هر کس جای یک مأمور اجرایی می‌آید اولین کارش این است که بگوید هر چه شخص قبلی کرده غلط بوده و حالا من از اول کار درست را شروع میکنم و شخص قبلی هم نسبت به سلف خودش همین کار را کرده در نتیجه تمام مسائلی که وجود دارد بهم می‌ریزد و یک رسمی هم شده در ادارات که میگویند آقا، آقا آمده خوب پس رسم تازه‌ای هم بوجود می‌آید کسی که تازه آمده یکی از اولین کارهایش این است که مبلغان اطاقها را عوضی میکند قالی می‌اندازد چلچراغ میزند و بعد از مدتی میگوید همه چیز خراب بود درست کردم درحالی که نه چیزی

بآن معنی که این آقا میگوید خراب بوده و نه چیزی که این آقا میخواهد درست کند وجود دارد بلکه باید هر مسئولی که می‌آید و با بعداً خواهد آمد بیچ و مهره یک ماشین واحدی باشند که بدانند رتیم و سرعت و کشتش حرکت آن دستگاه چیست و درجه مسیری حرکت میکنند و همان حرکت و مسیر را دنبال کند حالا آقا رفته خانم آسموویا خانم می‌رود آقای دیگری می‌آید نباید تفاوتی ایجاد شود این دستگاه این ماشین باید در همان جاده‌ای حرکت کند که میکرده تا به استاسیون برسد بنده فکر کردم برای اینکه باین وضع خاتمه داده شود و خیلی از مشکلات حل شده لازم است این است که در هر وزارتخانه‌ای یک کمیته برنامه‌ریزی مطرح و فکر نه باین صورتی که الآن واحد هائی که درست شده مثل معاون طرح و برنامه باین صورت نه بلکه یک کمیته‌ای از متخصصین امر تشکیل شده که زیر نفوذ و اراده وزیر مربوط هم نباشد اشخاصی باشند اهل فضیلت و علم آنها به نشینند و برنامه‌ریزی کنند مطابق برنامه کلی مملکت برای هر واحد اجرایی و برنامه‌ای که معین شد یک تابلوی زمانی هم داشته باشد و بگویند این برنامه در این مدت زمان برای این دستگاه اجرایی است و آن واحد در آن وزارتخانه مسئول این باشد که بطور دائم به رئیس دولت گزارش کند که برنامه چقدر جلو رفته و چقدر جلو نرفته و چه مشکلاتی وجود دارد و اگر وزیر رفت و وزیر دیگری آمد حق نداشته باشد این مسیر و برنامه را تغییر دهد بلکه مجبور باشد دنبال کند بنده فکر میکنم اگر چنین کمیته‌ای بوجود آید و دائمی باشد و مشمول بازنشستگی هم نباشد و مردان با فکر و باشعوری برای اینکار باشند بی تردید موجب خواهند شد که دستگاه اجرایی ما با سرعت بیشتری حرکت ادامه دهد و به پیروزی دسترسی پیدا کند (مشیر- آنوقت دکان آقای بعدی تخته می‌شود) بنده در برنامه دولت که بررسی می‌کردم به ده دوازده مورد برخورد کردم که تصور میکنم بهمان نحو که رئیس محترم دولت در اینجا مطرح کردند که شاهنشاه ما هم طلب میکنند و ملت ایران هم طلب میکند اگر دستگاه اجرایی، هیئت مدیره و هر دستگاه اجرایی بجنبه بی تردید آن کمبودها آن نارسائیهای که شخص آقای نخست وزیر اینجا بان اشاره کردند از بین خواهد رفت این دوازده موردی که در برنامه دولت خواندم یکی اجرای بیمه بهداشت و درمان وسیع در سطح روستاها بود. مسئله درمان و بهداشت مسئله‌ای است در جامعه اما بی جهت نباید افتقاد کرد زیاد خوش بین هم نباید بود که آن چه کرده‌اند واقعاً همین بوده که لازم بوده است البته

درمان پول می‌خواهد و وسایل می‌خواهد و نیروی انسانی می‌خواهد ولی من دیدم در برنامه دولت کاملاً باین مسئله توجه شده و خیلی مورد دقت قرار گرفته انشاءالله مسئله درمان عمومی که در برنامه دولت آمده است که به ملت ایران بیشتر هم نمی‌خواهد بهمین اندازه قناعت می‌کند عمل بشود و دوم در مورد تجهیز بنادر و فرودگاه‌ها و خطوط کشتی رانی مطرح شده است هنوز مسائل زیربنایی و فیزیکی در این جا مطرح است که جناب آقای نخست وزیر در این جا مطرح کردند، با امروز مشکلاتی در این زمینه داریم که این مشکلات محصول پیشرفت‌های سریع و بر آسای ماست خانه‌ها و آقا بان ما نباید نادیده به پیشرفت‌های یک شبه‌ای که کرده‌ایم بشویم ما یک نوع ترمی سیستماتیک نداشته‌ایم و نمی‌توانستیم داشته باشیم چون مثلاً اگر جامعه‌ای امروز در زیر یوغ فجاج نبود الیزم باشد و دارای حرکت سیستماتیک، بعد بگویند نمی‌خواهم بنحو حرکت تز، آنتی تز، سن تز را تحمل کنم و باید حرکت سیستماتیک بخواهد مسئله نفوذ الیزم را درگون و سرکوب کند این درست نیست بس چه چیز جای این حرکت سیستماتیک را میگیرد حرکت جهسی که این حرکت یک مضاری دارد و عبارت از همان نارسائیهای است که جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر در این جا مطرح کردند اینها زائیده پیشرفت برق آسا است و این بحث در جامعه ما باید مطرح شود آیا ضرورت دارد آن جایی که می‌خواهیم در بعضی زمینه‌های پیش برویم، زمینه‌های دیگر را فراموش کنیم؟ آیا صحیح است که پیشرفت و حرکت برق آسای ما آن چنان باشد که توازن را در سلکتورهای مختلف از بین ببرد و بفرم بریزد باید دید ما تا چه اندازه حق داریم با ثروتمان بلند پروازی کنیم مسلماً شاهنشاه در این مورد مسئله اساسی را مطرح فرمودند، فرمودند صرفه‌جویی در کارها، یکی این است که مایول هایمان را به چه راهی باید بریزیم برای چه وجه استفاده‌ای برای ملت ایران خواهد داد چه زبانی وجه مضاری و چه خواصی را دنبال دارد این در کجا بررسی میشود و اگر بررسی شد این بررسی باید سندیت داشته باشد و منطقی و علمی باشد وجه بهتر همه مردم، بردمی که در پناه رستخیز به میدان حرکت‌های انقلاب جامعه ما کشیده شدند باید آگاه باشند از جزئیات این حرکت اقتصادی که می‌خواهد یک حرکت سیاسی ایجاد کند که خواهد کرد

در هر صورت تجهیز بنادر و فرودگاه‌ها و خطوط کشتی رانی اگر با توجه باین اصل صرفه جویی باشد که ما را در تکنیهای جدیدی که محصول پیشرفت در این شاخه است به این تکنیها نکشد و در این مورد با دقت کافی عمل بشود می‌تواند موجب رفاه بیشتر در جامعه ما باشد مسئله سوم تلاش بیشتر در ایجاد شاه راه‌ها و برقی کردن خطوط راه آهن که در برنامه دولت مورد توجه قرار گرفته است، الکتریکی کردن مملکت، بالا آمدن مصرف برق، استفاده بیشتر از انرژی برای ایجاد رفاه بیشتر در جامعه منظور غائی انقلاب مقدس ایران است هر عملی در این زمینه دولت بکند بدین است که به پیشرفت مملکت کمک بسیار کرده است و دیدیم در برنامه دولت در مورد افزایش تعداد بیشتر تلفن و تلکس صحبت شده است بنده می‌خواهم عرض کنم که این تلفن هائی که الآن هست اگر درست کار کند و واقعاً رفع احتیاجات عمومی بشود شاید ضرورت بیشتر دارد تا ما بخواهیم برویم دنبال این مسئله که افزایش بدهیم یک نکته دیگر عرض کنم که این نوع افزایش ها که وعده داده میشود یک مقدار انتظارات و توقعات را میبرد بالا آنوقت اگر توقعات را بموقع پاسخگوئی نکرده‌ایم دشمن سرسخت دولت می‌شوند یاد می‌آید در روزنامه‌ها تیر می‌زدند که این قدر واحد مسکونی درست خواهد شد و اگر ما بخواهیم این تیرها را جمع کنیم هر فرد در این مملکت باید یک خانه داشته باشد این حرفها سطح توقع مردم را بالا میبرد چه ضرورت دارد بگوئیم که ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تا دو ماه دیگر می‌سازیم این را نمی‌گوئیم و معلوم نیست اگر امروز تمام قدرتمان را در مسئله خانه سازی بریزیم اصلاً یک تکنی و کلاژ دیگر ایجاد نکنیم کی گفته که اگر همه قوای خود را صرف خانه سازی کنیم مشکل ما بر طرف خواهد شد دیدم در برنامه دولت استفاده از امکانات حمل و نقل سریع برای توسعه پست مورد توجه قرار گرفته است بسیار صحیح است و انشاءالله که حزب رستخیز این دو هفته پیش که در مورد آن ساختمان پست هم یک اقداماتی کرده بودند نتیجه این اقدامات را هم اعلام بکنند تا مسئولان امر بدانند که چشم‌های بازی هم وجود دارد که جزئیات اقدامات آن‌ها را زیر نظر دارد این کنترل افراد بسیار مهم است و آنها باید بدانند کسیکه پشت یک میز اجرایی نشسته است مسئولیت دارد نمیتواند هر کاری دلش

خواست بکند و از این جا مبارزه با فساد شروع میشود. گرچه مبارزه با فساد در نظر گرفته شده است اما در برنامه دولت باید مجدداً مورد تأکید قرار گرفته باشد استدعای بنده این است که مبارزه با فساد را جدی تر بگیریم تا آنهایی که پشت میزهای اجرائی نشسته اند و باید از هرنوع تهمت زدن مصون باشند و با داکتری بانجام وظائفشان بپردازند تهمت زدن را باید از بین برد باید به کسی که مورد تهمت قرار میگیرد امکان داد از شرف خودش و از حق خودش در تمام مراجع قضائی دفاع کند آن کسی که تهمت میزند اگر بلاحق است باید مجازات شود اگر این اصل بوجود بیاید خود کسانی که به نا حق عمل می کنند در پیشگاه قاضی قرار بگیرند آن هائیکه به شریف ترین افراد ملت تهمت میزند مجازات بشوند در آن صورت جامعه مصونیت پیدا میکند و مأمور اجرائی دل و دماغ پیدا میکند و درست خدمت میکند در دستگاه اجرائی اشخاص زیادی هستند که برای فرار از این تهمت ها دست به سیاه و سفید نمی زنند و امضاء نمی دهند من کسی را در دستگاه اجرائی می شناسم که کنار نامه را امضاء میکرد پرسیدم چرا این را امضاء میکنی گفت برادر این نامه ها را زود زود ورق می زند و نام من که در کنار نامه قرار دارد از بین می رود این روحیه خطرناک است با این روحیه باید مبارزه کرد باید برای هر عملی در این جامعه یک ضابطه ای بوجود بیاید و ضابطه داشته باشد آزادی هیچکس نباید نامحدود باشد و خواست و تمایل هیچ فردی نباید حکومت بکند در دستگاه اجرائی. خواست ملت و خواست رهبری ملت را باید اجرا کنیم در مورد مسکن عرض کردم چیزی که امروز زیاد مردم ما را نرس میدهد کرایه منزل است باید برای این فکر کنیم هیچ لزوم ندارد هر ایرانی یک خانه داشته باشد اما هر ایرانی باید حداقل ۲۰ درصد از درآمدش بتواند یک خانه مسکونی داشته باشد باید دنبال این فکر برویم که هر فرد ایرانی در حد احتیاجش، این را باید به مردم مملکت داد بنده اینجا عرض میکنم جناب آقای نخست وزیر کرایه مسکن ۱۰ درصد از درآمد افراد را دارد می بگذرد اگر قبول نداشتند مدرک جلوبندان میگذاریم چه لزومی دارد که هر ایرانی یک خانه داشته باشد اما این ضروری است که هر ایرانی یک سربانه شایسته خودش را با ۲۰ درصد درآمدش داشته باشد در برنامه دولت در قسمت برق دیدیم که به تجهیز نیروی متخصص اشاره شده این یکی از واجبات جامعه ما است در سطح بالا پیمانهای پروفیسور و دکتر و

ما فوق پروفیسور و دکتر مهندس زیاد داریم اما متخصص که باید پیچ و مهره این ماشین ها را بهم بپندازد و ماشین و چرخ دنده را حرکت دهد در آورد کم داریم باید رفت دنبال این متخصصین و دستگاه آموزش باید تجهیز شود برای آماده کردن این نوع متخصصان اینکاری است که پیش از هر مسئله دیگر لازم است تربیت متخصص در ایران و مملکت ما ضرورت اجتناب ناپذیر دارد مسأله دیگر حمایت از سرمایه گزاری های سالم است و آقا اگر در جامعه این وحشت ایجاد شود که افراد را دلیل به سرمایه گذاری نکنند این وحشتناک است و برای اقتصاد ما خطرناک است من خودم سرمایه گذار نیستم و هیچوقت هم سرمایه گذاری نمی کنم اما فکر میکنم مملکت به این احتیاج دارد به این سرمایه هائی که در کارها گذاشته میشود و تصور کنم این سرمایه گزاری ها حرکت درمی آید پس بهر صورت باید اقدام بکنند که موجب بروز شایعات خاص یا خطرات احتمالی در امر سرمایه گذاری سالم نشود باید جدا از این قبیل شایعات احتراز کرد این به صلاح مملکت و اقتصاد مملکت ما نخواهد بود در برنامه دولت در مورد ازدیاد تولید کشاورزی بحث شده است آقای وزیر کشاورزی مسئله ای که بارها خودم در حزب گفته ام در جلسات مختلفی که داشته ایم چه در حزب و چه در بیرون از حزب من کمتر دیده ام حرکت کشاورزی ما در این سالها به بالا آوردن سطح تولید در مقدار زمین واحد معین بپردازد یعنی مقدار تولید را در یک هکتار افزایش دهیم همه اش می خواهیم سطح زیر کشت را افزایش بدهیم شمه در یک هکتار زمینی که در اختیار داریم فلان مقدار گندم کشت می کنید این را افزایش دهید ایجاد واحد های کشت و صنعت نقش بسیار اساسی میتواند داشته باشد ارتباط مستقیم برقرار کنیم بین صنایع و کشاورزی اول این صنایع انقلابی به کشاورزیتان میدهد تمدن صنعتی را که امروز ناگزیر از قبول آن هستید در حد امکان و معقول به روستاهای شما ببرد و امکاناتی را فراهم می کند که با توجه به آب و زمین کمی که داریم طبق یک برنامه دقیق بدون اینکه ناراحتی از لحاظ تولیدات کشاورزی در یک شاخه ای ایجاد کند بتوانیم این برنامه را بدرستی به انجام برسانیم مسئله دیگر در برنامه دولت توسعه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و فولاد و مس است امروز همه دنیا آگاهند که اهمیت نفت و گاز و پتروشیمی بطور کلی صنایع تاجه اندازه است و تاجه حدمی تواند سرنوشت رفاهی جامعه را بطور کلی عوض بکند و همه ما این را میدانیم که در این زمینه دولت میتواند برنامه هائی را که تنظیم کرده است به موقع به نتیجه مطلوب برساند مسئله بعدی ایجاد صنایع جدید و حفاظت از محیط زیست است صنایع

جدید همیشه مورد احترام و استفاده جامعه ما هست و ناگزیر از قبول این صنایع هستیم و حرکت مادر جهت این صنایع جدید خواهد بود البته حفاظت از محیط زیست مسأله ای بسیار اساسی است که در برنامه دولت به آن توجه شده است از آن جهت که مورد توجه شهپانوه هم هست بالاخره مسئله آخری که بنده در برنامه دولت دیدم مسئله بردن تسهیلات شهری به روستاهاست مسئله ای که انقلاب ایران به آن توجه کرده است روستاهای ما بسیار درگرونگ شده است هنوز هم کارهای بسیاری داریم که باید بانجام برسانیم بنده با توجه به اینکه وقت زیادی نیست و اینکه متأسفانه امکان بیشتر نبود که من بیشتر از این وارد جزئیات بشوم و شاید هم لازم نبود، در پایان سختم آرزو می کنم که دولت جناب آقای هویدا مانند گذشته موفق باشد آرزو می کنم همکاران ایشان در این دولت با توان بیشتر و با حمایت وسیعی که مجلس لژ ایشان می کنند البته در آغاز همه این سخن ها با توجه بن این که مبعوث شاهنشاه بزرگ هستید و مورد اعتماد شاهنشاه بزرگان هستید آرزو می کنم موفق باشید و در تحت تأییدات الهی بتوانید خدمتگزار جامعه مسلمان مردم و وطنمان باشید.

مشکره (احسن)

رئیس - آقای مظفری بفرمائید.

مظفری - بنام خداوند جان و خرد

کسزین برتر اندیشه بر نگذرد

کوشش می کنم از یادداشت ها صرف نظر کنم و در مدتی کوتاه و در چند دقیقه پیرامون برنامه دولت گفتگویی و گاه گفت و شنودی داشته باشیم قبل از هر مطلبی ابراز عنایت و اعتماد شاهنشاه در مورد ادامه خدمتگزاری دولت جناب آقای هویدا و همکارانشان را صمیمانه تبریک می گویم و آرزو می کنم در راه خدمت به ایران و شاهنشاه ایران بیش از پیش توفیق داشته باشید. صحبت از فضای رستاخیز و عصر رستاخیز شد نکته ای که به اعتقاد من باید به آن توجه کرد این نکته است که مانا گهان به فضای رستاخیز و عصر رستاخیز رسیدیم در عصر رستاخیز همه روابطمان را از گذشته قطع نمیکیم به گذشته افتخار میکنیم این انقلاب شاه و ملت بود که به مردم ما این فرصت را داد تا به راهبری فرمانده خرمند خودش به عصر رستاخیز قدم بگذاریم همه موفقیت هائی که ما را به عصر رستاخیز رهنمون شد مبتنی بر برنامه ریزی های ملی بود نه وارداتی ما با تکیه به برنامه ریزی های ملی با ارشاد و حمایت رهبر انقلاب ایران توانستیم از یک نقطه ای حرکت کنیم و در طول مدت

زمانی بسیار کوتاه به نقطه ای برسیم که به آن عنوان عصر رستاخیز داده شده صحبت از برنامه دولت شد باید عرض کنم خطوط اصلی برنامه دولت که مبتنی بر منشور انقلاب شاه و ملت و یک برنامه ملی است مورد تفاهم و توافق همه مردم ایران است و خطوط اصلی و اساسی آن را رهبر انقلاب ایران ترسیم فرمودند و اگر بحثی است پیرامون کمبودها و نارسائی هائی است که جناب هویدا به عنوان تکنکار آن یاد کردند و بحق هم تکنکار است وقتی صحبت از کمبود و نارسائی می کنیم باید شکر گزار باشیم خدای را سپاس بگوئیم و شاهنشاهمان را تشکر داشته باشیم و از دولت که این کمبودها و نارسائی ها فقر و نابودی و برادر کشی و جنگ و آدم کشی نیست بی ثباتی و فحطی نیست کمبودها و نارسائی ها مسکن است، ترافیک است، اتومبیل تعدادی زیاد شده تلفن است که زیاد شده من که تلفن و اتومبیل داریم علاقمندم که راحت باشم و خوب جولان بدهم و می خواهم این ها را خوب بنگهدارم گفتن اینکه تلفن زیاد ندهید تأمین، بتوانم جولان بدهم این درست نیست در رستاخیز همه چیز برای همه ملست ایران است در فضای رستاخیز باید امکانات در اختیار همه ملت ایران قرار بگیرد و در این زمینه مسلماً وظیفه و مسئولیت دولت بسیار خطیر است بنده به یکی دو نکته اشاره می کنم و صحبت را تمام می کنم جناب آقای هویدا در فضای رستاخیز صحبت از تقوی و فضیلت است، صحبت وحدت ملی است صحبت از همبستگی ملی است و لازمه این وحدت و همبستگی اعتماد و اعتقاد عمومی است و با در عصر رستاخیز باید همه به همه اعتماد و اعتقاد داشته و یک پارچه با وحدت کامل جلو برویم لازمه اینکار این است که مسئولان اجرائی به مسئولیتشان و بوظیفه شان که بسیار سنگین است توجه کنند در صدر همه مسائل مطلبی است که شاهنشاه در کنفرانس آموزشی راسر به آن اشاره فرمودند امکانات را به سنجند و آنچه انجام شدنی است به مردم وعده بدهند و عمل کنند و بعد هم بازرسی و بررسی بشود، این اصل اساس برنامه رستاخیز است باید بررسی بشود، این اصل اساس برنامه رستاخیز است باید اعتماد عمومی را جلب کنیم و اگر در زمینه هائی بی تفاوتی است با آن مبارزه کنیم مدتی پیش اعلام کردند دفتری برای وعده درست شده و لی بعد خبری نشد و این دفتر وعده ها به گمان من خودش به وعده دیگری مبدل گردید صحبت از مسکن که میشود هر کسی به خودش اجازه

میدهد که آمار و ارقام بدهد حتی این مسائل به استانها هم رفته است در آنجا هم در رادیو و تلویزیون هر شب یک مدیر اجرایی بحث میکند چه کسی برای این گفتگوها نظارت دارد؟ این در جامعه اثر دارد جناب آقای نخست وزیر وعده فرمودند که سازمان برنامه قسمت اعظمی نیروی خود را صرف بازرسی و نظارت بر کارها خواهد کرد این مهمترین مسئله است شما که دنبال واگذاری اختیارات هستید و یکی از مهمترین برنامه های دولت است و جدا باید اظهار خوشوقتی کنم که بودجه یازده وزارتخانه را استانی خواهیم کرد اگر هماهنگی و نظارت در کار نباشد معلوم نیست که چه گرفتاری ها پیدا خواهیم کرد دو شما دچار چه ناراحتیها خواهید شد باید یک دستگاه بازرسی و بررسی وجود داشته باشد باید هر مأمور اجرایی در قبال هر مطلبی که میگوید احساس مسئولیت کند و مسائل را بداند که بازخواست می شود چه اشکال دارد که وانعام مسائل رای مردم بگوئیم و با مردم به گفتگو بنشینیم و راجع به مشکلات ساعتها با آنها صحبت کنیم مسئله بسکن مسئله ترافیک مسئله مواد غذایی اینها مطالبی بود که دیدم در چند روز پیش راجع با آنها بحث بود که گفته میشود مرتب مواد غذایی وارد میشود باید مردم را روشن کرد که اگر توسعه اقتصادی داشتیم و توسعه صنعتی داشتیم، توسعه کشاورزی هم داشتیم سطح تولید کشاورزی سطح محصولات ما میزان محصولات و درآمدمان بالا رفته و نمیشود محدودیت قابل شد در عصر رستاخیز ملت ایران همه چیز را رأی همگان لازم دارد دولت این وعده را داده و این تعهد را کرده که هر چه کمبود باشد از چهار سوی دنیا تهیه بکند و باید اینکار بشود ولی در مقابل آن باید به مسئله خود کفائی نسبی هم بخصوص در برنامه های توسعه کشاورزی توجه بشود اشاره ای می کنم به برنامه مسائل آموزش و پرورش آماری که داده شده است نزدیک به ۷ میلیون نفر، صرف نظرات دانشگاهها و مؤسسات عالی همین امروز در مدارس سراسر مملکت مشغول هستند و نزدیک ۳۸ هزار نفر دبیر و آموزگار در دانشسراها دارد تربیت میشود آیا این تعداد آموزگار و دبیری که تربیت میشود با توجه به تعداد کمبودی که داریم جوابگوی چهار سال آینده هست یا نیست آیا هیچکس به این برنامه توجه کرده که این کمبود روز بروز بیشتر خواهد شد یا نه؟ متأسفانه جناب آقای نخست وزیر از مسائلی که با آن زویرو هستیم بخصوص

ملی اختصاص میدهم استحضار دارید که رستاخیز مولود فرخنده انقلاب شکوهمند ایران است و انقلاب در بطن خود مفاهیم سازنده و برانزده دارد برانزاده شیوه های نامطلوب و سازنده نظم های نو برای یک جامعه رو برشد. با توجه باین مفهوم روحیه رستاخیز برای جامعه امروز ما یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و تمهید مقدمات وسیع برای برنامه های آموزشی ملی، از این دیدگاه حاضر بیشترین اهمیت میباشد. آموزش تنها در مفهومی که از مدرسه شروع بشود و به دانشگاه ختم گردد مطرح نیست در این مفهوم آموزش یک مفهوم گسترده دارد آموزشی که از دامان مادر شروع میشود و تا پهنه اجتماع تا آخرین لحظه حیات یک انسان در سطح اجتماع گسترش یابد و بدین معنی مسئله آموزش ملی پیش از دبستان مطرح است، مسئله آموزش پیش از دبستان مطرح است. گزارش جناب آقای نخست وزیر در برنامه دولت اشاره فرمودند و ما هم مقتضای آنکه پیش از هفت میلیون ایرانی که یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل میدهند سرگرم آموزش هستند مسلماً جای افرادی که بین سنین ۳ تا ۶ سالگی هستند از این رقم خارج است امروز مسئله آموزش در جوامع پیشرفته ای که ایران نیز جزو آن کشورهاست مفهومی دیگر دارد. طفل از زمانی که حرف می زند صحبت می کند نشان میدهد که استعداد فراگیری دارد جامعه فردا طلب ایران نمیتواند نسبت به این سه تا شش ساله ها بی تفاوت و بی برنامه بماند. بنابراین برای اینکه ما در آینده دارای جوانان نیرومندی باشیم که هرگز افسوس مخربین در آنها کارگر نشود و بدان سان که شاهنشاه اشاره فرمودند که دانشجویان نخستین افرادی هستند که دشمنان ایران در کمین آنها هستند ما برای اینکه دارای جوانانی باشیم که به هیچ وجه در مظان این اتهام قرار نگیرند که تحت تأثیر گروهی مخرب واقع بشوند باید از هم اکنون از مراحل خرد سالی به فکر تربیت زیربنائی با آن روحیه رستاخیزی باشیم. حزب رستاخیز ملت ایران در این زمینه بزرگترین وظیفه را به عهده دارد به نحوی که کانونهای حزبی منحصر به تأسیساتی که حزب به وجود میآورد نباشد هر خانه ای باید یک کانون حزبی باشد همه افراد ملت ایران به اقتضای اینکه زیر چتر واحد حزب رستاخیز ملت ایران با الهام از نیات خیر خواهانه شاهنشاه قرار گرفته اند باید در اجرای این برنامه عظیم ملی سهم باشند. آن روزهایی که صحبت از حزب یا احزاب متعدد

میشد سپری شده است امروز همه ملت ایران عضو حزب رستاخیز ملت ایران هستند بدین منظور آموزش روحیه رستاخیز یعنی درک عمیق آنچه بر اثر انقلاب سفید شاه و ملت نصیب ملت ایران شده است آگاهی از نعمات و برکات انقلاب و سپس ایمان و اعتقاد نسبت به این مسائل خود بخود به این نتیجه خواهیم رسید که همه مردم بخصوص جوانان باید پیش تازان ورود به تمدن بزرگ باشند. باید پیش از پیش در این زمینه کوشش کنند باید با احساس کامل از این نعمات در عصر رستاخیز زندگی کنند. جامعه متشکل امروز ایران نمیتواند به حکم ضرورت این جامعه افراد غیر مسئول را بیدرد هر ایرانی باید با چنین احساسی هر روز صبح زندگی را شروع کند برای اینکه رسیدن به آن آرمانهای بزرگ جز با یکپارچگی مسیور و مقدر نخواهد بود.

۱. مسئله آموزش ملی را که بحث در باره آن را با اختصار برگزار می کنم به علت اینکه دوستان دیگر هم میل دارند صحبت کنند می پردازم به مسئله رفاه اجتماعی دولت برنامه های بسیار وسیعی را در جهت تأمین خدمات اجتماعی با سازمانهای رفاه اجتماعی تدارک دیده و با موفقیت اجرا کرده است. بنده چون باید مختصر صحبت کنم یک نکته را اشاره میکنم که به اصالت اینکار لطمه زده است بعضی از پزشکان که اسمشان در لیست پزشکان طرف قرار داد سازمان خدمات درمانی وجود دارد هنگام مراجعه به آنها، این پزشکان میگویند که ما پزشک طرف قرار داد نیستیم بنده یک نمونه آنرا دارم که لااقل خودم فرزندم را بردم به پزشک و چنین جوانی به من داد و من هم پول ویزیت را به ایشان تقدیم کردم این موارد معدود ممکن است باز هم تکرار شود و این چند مورد کوچک ممکن است به اصالت خدمات درمانی لطمه بزنند بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه چنین مشکلاتی پیش نیاید در تشکیلات خدمات درمانی یک واحد پی گیری و نظارت بوجود بیاید که به طور مستمر به نحوه مراجعه مردم به این سازمانها نظارت بنماید و در این مورد باید از همکاری مردم حداکثر استفاده بشود چون همانطور که شاهنشاه فرمودند در هر موردی که مردم را شرکت داده ایم مشارکت مردم منجر به نتایج بسیار ارزشمنندی شده است. پس در این مورد هم باید مانند مبارزه با گرانفروشی از همکاری و مشارکت مردم که مراجعان واقعی به سازمان هستند به نحو احسن استفاده بشود.

مسئله مسکن طبیعی است بر آن همه مطرح است بنده

نمی خواستم پیشنهاد کنم همانطور که جناب آقای هویدا فرمودند فضای رستاخیز به همه افراد حقوقی مساوی برای فعالیت میدهد و همچنین برای سرمایه گذاری در بخشهای خصوصی البته با سودی عادلانه و متعارف امکان هرگونه فعالیت است چه بهتر که با هماهنگ کردن همه این فعالیتها کمک‌هایی که میشود بکنید و این زمینه‌هایی که در داخل محدوده شهری است به آمارتمان سازی اختصاص دهید به مردمی که احتیاج به مسکن دارند و اگذار کنید موضوع بازنشستگان که در برنامه دولت به آن اشاره شده است البته بنده می‌خواستم ابتدا کنیم اولویت بیشتری به این مسئله داده شود و چند سال پیش مقاله‌ای در جراید تهران نوشتم که نگذارید بازنشستگان به بیپوده پنداشتن خود فکر کنند . گروهی که ۳ یا ۴ سال از بهترین دوران زندگی خود را وقف خدمت به مملکت کرده اند به محض اینکه به افتخار بازنشستگی نائل شدند چون فکر می‌کنند فراموش میشوند یا توجه به اینکه مادریک جامعه عاطفی زندگی می‌کنیم ضرورت دارد که برای جبران این وضع به این هافرصت‌هایی بدهیم که این افراد بتوانند مانند گذشته احساس کنند جامعه به آنها احتیاج دارد و آنها را ارج می‌نهد . استدعای بنده اینست که اگر بشود برنامه‌ای تهیه شود تا خانه بازنشستگان در سراسر کشور ایجاد شود که بتوانند محلی برای فعالیت و کار و کوشش و عرض وجود پیدا کنند . تا بدین طریق از آن نگرانی و ناراحتی که ناشی از یاد رفتن است نجات پیدا کنند در مورد بودجه استانی جناب آقای نخست وزیر فرمودند بدو در مورد یازده استان و سپس در سطح تمام کشور این مسأله پیاده خواهد شد - این برنامه از آنجائی که ناشی از منویات شاهنشاه بزرگ در مورد توزیع عادلانه امکانات و عدالت اجتماعی است بسیار ارزشمند است و امیدوارم بدین طریق از یک رشد متوازن و هماهنگ برخوردار شویم . جناب آقای نخست وزیر ! جنابعالی در یکی از نطق‌های انتخابی فرمودید که ما در دهه اول انقلاب از یک نقطه ضعیف به یک نقطه قدرت رسیدیم . با توجه به اینکه شما نخستین دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران هستید ، جنابعالی نخست وزیر دوران انقلاب هستید و نخستین نخست وزیر دوره رستاخیز هستید ، آرزوی منم و امیدوارم با برخورداری از همان گنجینه‌های قدرت و رهبری شاهنشاه ملت ایران را در این نقطه قدرت به قله قله قدرت برسانید (احسن).

رئیس - آقای صدری کیوان بفرمائید .

صدری کیوان - بنام خداوند توانای جهان آفرین و بنام نامی وجود مقدس محمد رضا شاه آریامهر شاهنشاه افتخار آفرین جناب آقای رئیس ، همکاران گرامی تقارن آغاز کار مجلس شورای ملی و دولت با اولین روزهای سی و پنجمین سال سلطنت پر خیر و برکت شاهنشاه آریامهر و وظیفه‌ای بس مهم و افتخار آمیز برای همه ما فراهم میکند که بیاس حق شناسی از تلاشهای بی‌گیر ، کوششهای مداوم ، رهبریهای اندیشمندانه و رهنمودهای ارزنده و ثمربخش معظم له که موجب شده است مملکت عزیز ما از چنین ثبات سیاسی ، استقلال اقتصادی امنیت بی نظیر و حیثیت و اعتبار ممتاز جهانی برخوردار باشد به پیشگاه با عظمتش سر تعظیم و تکریم فرود آوریم و با قلبی آکنده از مهرشاه و مین سیاست بی‌کران خود را بخاکبای مبارکش تقدیم داریم و از زبان دل خودمان و از زبان دل عموم آحاد و افراد ملت سلامت دوام عمر و عزت رهبر عالیقدر ایران و شهبانوی محبوب و والا حضرت و الایثار و لایبعتهد عظمی رضا پهلوی نور چشم و میوه دل ایرانیان را همراه با عظمت شاهنشاهی گرانقدر ایران زمین از درگاه احدی مسئلت کنیم (احسن).

همکاران گرامی با اعتقاد اینجانب در مجلس رستاخیز باید بویلفیه مهم دیگری هم اقدام کنیم و آن اینکه مانند گذشته و به سخن بهتر خیلی بیشتر از گذشته صادقانه قضاوت کنیم منصفانه برزی نمائیم و سخن خود را در کمال صراحت همراه با واقع بینی و بی نظیری و خالی از هرگونه شائبه تنهادر طریق منافع ملت و مملکت بیان نمائیم و من امروز با اجازه همکاران بیانات خود را راجع برنامه دولت در حریم و چهارچوب این اصول ارزنده بعرضتان میرسانم (احسن).

همکاران گرامی دولت جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر پر توان و خاندانگزار ما هنگامی تصدی امور مملکتی را عهده دار میشود که نشانه‌های امید و شادمانی و موجبات ترقی و تعالی و توفیق روز افزون در کلیه شئون مملکتی به نحو بارزی بچشم می‌خورد .

نخست آنکه در سالهای اخیر ثمرات رهبریهای حکیمانه شاهنشاه آریامهر بیش از پیش در قطبهای گوناگون مملکتی تجلی دارد و در پهنه امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و سایر شئون مملکتی بابتکار شاهنشاه هر روز بنیادی تازه بی افکنده میشود و چراغی پورفروزان میگردد که اثرات و ثمرات آن عاید دولت و ملت

گردیده و در پیشبرد برنامه‌های مملکتی فوق العاده مؤثر می‌یافتد .

دوم آنکه در حال حاضر نظام سیاسی نوبنی بنام حزب رستاخیز ملت ایران بابتکار شاهنشاه آریامهر فرا روی فرد فرد ملت ایران قرار گرفته که در اثر آن یکپارچگی و وحدت و همدلی و همراهی ملی بمعنای واقعی خویش کمال یافته است بطوریکه در گذرگاه و بستر دریای خروشان حزب رستاخیز ملت ایران از نیروهای مملکتی هیچ قطره‌ای بهدر نمی‌رود و هیچ خرابی به پیراهه کشیده نخواهد شد زیرا این حزب هیچ طبقه و گروه خاصی را در بر نمی‌گیرد بلکه هر فرد ایرانی با هر موقع و موضع اجتماعی جزئی از تشکیلات آن است جزئی که با اجزاء دیگر حقوق یکسان ، رأی یکسان و وضع یکسان خواهد داشت .

سوم آنکه رهنمود های شاهنشاه آریامهر همواره از ویژگی ارزنده‌ای برخوردار است که در بهترین و مطلوبترین موقعیت زمانی شرفصدور می‌یابد کما اینکه اصول سیزدهم و چهاردهم انقلاب شاه و ملت که چندی پیش از جانب شاهنشاه آریامهر بر اصول دوازده گانه انقلاب افزوده شد در واقع دو چراغ تابناک دیگری است که در بهترین و حساسترین موقعیت زمانی فراراه ملت ایران قرار گرفته است .

چهارم آنکه اقتصاد ایران برگسترده گی و شکوفائی ویژه‌ای دست یافته و حضور مؤثر ایران در اقتصاد بین المللی این شکوفائی را با شکوه ترقی قابل اعتماد تر ساخته است بطوریکه امروز ایران عزیز ما بعنوان یک کشور با نظام اقتصادی تثبیت شده و آسیب ناپذیر در عرصه جهانی معرفی گردیده که این خود نیز از عوامل مهم موفقیت برنامه‌های مملکتی بشمار میرود .

با توجه باین اوضاع و احوال و در سایه این همه موجبات ترقی و پیشرفت انشاء الله دولت نسبت برفع تنگناها و مشکلات موجود مثل همیشه در اندک مدتی فائق خواهد آمد و برنامه خود را بنحوی که موجبات رضایت خاطر خطیر همایونی فراهم گردد در مرحله اجرا درخواهد آورد .

و اما درباره برنامه دولت چنانچه این برنامه را که قسمت اعظم آن در بخش های امور اقتصادی و اجتماعی برنامه تجدید نظر شده اصلاحی پنجم به تفصیل آمده و قسمت دیگر آن را که تئوری بر سیاست‌های مختلف دولت در سایر شئون مختلف مملکتی است باید دید کاملاً علمی بنگریم متوجه خواهیم شد که برنامه دولت برنامه‌ای خوب جامع و قابل دفاع است . زیرا یک برنامه خوب و جامع آنچنان برنامه‌ای است که در آن هدفها و مقاصدی که مورد نظر است بطور صحیح

و دقیق معلوم شده و وسائل و ابزار نبل باین هدفها چه از نظر منابع مادی و چه از لحاظ امکانات فنی و انسانی تا آنجا که میسر است برآورد گردیده و معلوم شده باشد برنامه‌ای که تهیه شده بجهت ترتیب و از چه طریق بمرحله اجرا درخواهد آمد همچنین برنامه خوب آنچنان برنامه‌ای است که رئیس مشکلات و تنگناهایی که ممکن است در طول اجرای آن پیش بیاید باز گو کرده و راه حل و طرق ازین بردن این تنگناها را تا حدودی پیش بینی کرده و یک تحلیل صحیح و منطقی از نتایجی که اجرای برنامه‌ها خواهد آورد بدست داده باشد حال چنانچه در برنامه تقدیمی دولت مروری بکنیم خواهیم دید واجد صفات و مشخصاتی است که برای یک برنامه خوب عنوان کردیم زیرا :

۱ - برنامه دولت از جهت اقتصادی و اجتماعی همان برنامه‌ای است که بصورت تجدید نظر برنامه پنجم عمرانی کشور در سال گذشته تصویب شده است بدیهی است در برنامه تجدید نظر شده تمام هدفها و مقاصد مورد نظر دقیقاً تنظیم و ترسیم شده و بیرونی و وضوح مشخص گردیده است و مسائل و ابزار نبل باین هدفها هم تعیین گردیده است .

۲ - علاوه بر آن سیاست‌های دولت در زمینه امور زیربنائی و اقتصادی و اجتماعی و رفاهی دقیقاً مذکور افتاده و با ذکر جزئیات و برنامه‌های متنوع و متعدد راه حل وصول به هدفهای مربوط تعیین گردیده است .

۳ - تنگناها دقیقاً مشخص شده و طرق رفع این تنگناها با توجه با امکانات مملکتی ملحوظ گردیده است .

با این مراتب و با توجه باین مطلب که اینجانب قصد دارد در زمینه سیاست اقتصادی دولت مطالبی بیان کند لازم میدانم بدو در نهایت ایجاز درباره اوضاع و احوال کلی اقتصاد مملکت چند کلمه‌ای معروض دارد .

در زمینه وضع کلی اقتصاد ایران باید عنوان کنم که در حالیکه بیشتر کشورهای جهان دستخوش بازتاب ضربه‌های تیز و انعکاس اثرات بحران در شئون مختلفه خود هستند ایران عزیز ما بربهری شاهنشاه آریامهر فصل نو و تازه‌ای را از اقتصاد آغاز کرده است که شایسته است بلحاظ شکوفائی و گستردگی و ثبات دوره استثنائی نامیده شود .

جهش کمال یافته ایران در میدان اقتصاد جهانی از جهت‌ها و دیدگاه‌های مختلف و متنوع کاملاً چشمگیر است و در پیشاپیش این جهش استحکام بول ایران قرار

قرارداد که بعنوان یک پول بین المللی موفقیت خود را تثبیت نموده است.

توسعه سریع مبادلات ایران با کشورهای کوچک و بزرگ، ذخایر شرشار ارزی کشور که از طریق حاکمیت مطلق ایران بر منابع نفتی بی ریزی شده است اعتماد دولتها و منابع اقتصادی جهان - بر بنیاد سیاسی و اقتصادی ایران پرداخت دیون خارجی حتی پیش از فرارسیدن زمان سر رسید، اعطای وام و اعتبار بعد ادای از کشورها و بخصوص به خود صندوق بین المللی پول، گسترش روابط اقتصادی، بازرگانی، فنی و صنعتی ایران با کشورهای شرق و غرب و سرمایه گذاریهای چشمگیر ایران در دیگر کشورهای جهان.

مشارکت ایران با عظیم ترین کمپانیهای خارجی بدون شک ترجمان قدرت بی چون و چرای اقتصاد ایران است پس از کرایین توضیح درباره سیاست دولت در زمینه اقتصادی متذکر میشویم که:

۱- در درجه اول در زمینه اقتصادی سیاست دولت بر ادامه رشد سریع صنعتی در طول سالهای برنامه پنجم عمرانی اتکاء دارد.

این قسمت از برنامه دولت اقدام و سیاسی بسیار اساسی و فوق العاده صحیح و معقول است زیرا در سالهایی که در پیش داریم توسعه صنایع کشور بعنوان عاملی جهت بی ریزی شانوده یک اقتصاد پیشرفته تر همواره باید مورد عنایت و توجه باشد.

باین منظور در برنامه پنجم پیش بینی اقدامات برای رفع کمبودهای فنی و تأمین نیازهای جاری زمینه مناسبی برای تولید انواع گوناگون ماشین آلات و تجهیزات صنعتی و فلزات اساسی لازم برای تولید کالاهای سرمایه ای معمول گردیده است خوشبختانه بموجب پیش بینی دولت هدف رشد صنعتی که در برنامه پنجم میزان متوسط معادل ۱۷/۵ درصد در سال منظور شده بعلاوه حجم سرمایه گذاریهای دوساله اخیر و روند سرمایه گذاریها پیش بینی میشود که رقم رشد متوسط صنعتی لژه ۲ درصد تجاوز نکند، مطلبی که در این رهگذر قابل توجه و درخور ذکر است مسأله نیروی انسانی ماهر و آینده صنایع ایران میباشد.

همکاران گرامی استحضار دارند کشور ما فاصله میان اقتصاد کشاورزی ضعیف و اقتصاد صنعتی پیشرفته را در مدتی حدود ده سال پیموده است بنابراین وجود کمبود و ننگهای نیروی انسانی کاملاً اجتناب ناپذیر میباشد و وجود این بهمان دلیل که جهش های انقلابی وجود بعضی

کمبودها و تکنگاهاراناگزیز بدنبال دارد گذر از این تنگناها نیز امری ضروری است و حتی سرعت پیشرفت ایجاب مینماید که برای کمبودها نیز با سرعتی معادل یا حتی سریع تر از این چاره جوئی شود بخصوص از این جهت که کمبود مهارتها و تخصص ها که اینک بطور جدی رو یاروی ماست با توجه به برنامه های آتی و بویژه گستردگی برنامه پنجم روز بروز جدی تر خواهد شد مگر اینکه زاحل هایی برگزیده شود که امر تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر سریعتر از نیاز به این عامل مهم پیشرفت انجام گیرد.

البته دولت از مدتها پیش در این زمینه به چاره جوئی برخاسته و علاوه بر سازمانها و واحدهائی که رأساً برای تربیت کادرمورد نیاز صنایع بوجود آمده امتیازات بسیاری نیز برای بازگرداندن مهندسان، متخصصین و تکنیسین های ایرانی قائل شده و حتی برای جذب نیروی انسانی ماهر سایر ملیت ها نیز تسهیلات فراوانی بوجود آورده است مع هذا بعلاوه اینکه اینک رشد صنایع ایران و برنامه هائی که برای توسعه صنایع در کشور ما وجود دارد در سطحی است که اینگونه کوششها تکافوی نیاز را ندارد پیشنهاد مینماید که:

۱- کوششهای دولت در زمینه تهیه نیروی انسانی ماهر هر چه بیشتر و گسترده تر ادامه یابد.

۲- دولت موکداً به واحدهای صنعتی و تولیدی دستور دهد که در ایجاد واحدهای آموزشی کنار کارخانجات و

تخصیص بودجه قابل توجهی به موضوع آموزش افراد کار حتی لحظه ای درنگ نکنند و تمام سعی و همت خویش را بکار گیرند تا خودشان جوابگوی نیاز واحد صنعتی خود باشند و بدین امید نباشند تا دولت یا سازمانهای دیگر بخش خصوصی برای آنان نیروی انسانی ماهر تربیت کنند

۳- موضوع کمبود صاحبان مهارت در رشته های مختلف صنایع تابدان حد جدی است که حتی غیر منطقی نیست اگر توصیه شود که مدیران صنایع پیش از استوار کردن اولین آجر بنای یک واحد صنعتی به فکر تربیت نیروی انسانی لازم برای آن واحد باشند و این برنامه ای است که هم اکنون در کشورهای بسیار پیشرفته صنعتی بدان عمل میشود.

چون سخن از رشد صنعتی و سیاست مربوط به صنایع در میان است لازم میدانم چند کلمه ای هم در زمینه اصل سیزدهم معروض دارد.

اجرای اصل گسترش مالکیت صنعتی و واحدهای

تولیدی علاوه بر اینکه توزیع عادلانه درآمد را ایجاد می کند جلوگیری از تراکم غیر منصفانه و غیر معقول ثروت را باعث خواهد شد.

همچنین احساس مالکیت در میان طبقه کارگر و عموم مردم قدرت کارائی را در میان کارگران و اقبال و استقبال از مصنوعات و فرآورده های داخلی را در میان عموم مردم افزایش خواهد داد.

بعلاوه با بروری کوتاه درآمد و ارقام مربوط به پیشرفتهای صنعتی ایران و برنامه های آتی صنایع. بر این واقعیت و قوت متباینیم که اولاً صنعت در کشور ما از محدوده چند واحد و چند ناحیه خارج شده و ایران در ردیف معدود کشورهائی درآمده است که باستانی تحسین آمیز بسوی صنعتی شدن کامل پیش می رود بنابراین لازم است که از هم اکنون که به نیمه این راه غرور آمیز رسیده ایم ضوابط و قواعدی برای رشد سالم صنایع بی ریزی شود تا صنایع از حالت انحصاری خارج شده و جنبه عمومی یابد و به بیان دیگر از هدایتش فنودالیزم صنعتی جلوگیری شود.

در بخش سیاست دولت در زمینه اقتصادی عنوان شده است که بموازت رشد صنعتی لزوماً تأکید خاص بر روی پیشرفت کشاورزی و ازدیاد تولیدات آن نهاده خواهد شد تا از یکطرف مواد خام و محصولات غذایی مورد لزوم داخلی تأمین گردد و از سوی دیگر سطح درآمد روستائیان و کشاورزان به میزان قابل ملاحظه ای بالا رود و فاصله قدیم بین طبقات شهری و روستائی بمقدار روز افزونی تقلیل پذیرد. این قسمت از برنامه دولت نیز با توجه به آهنگ رشد افزایش جمعیت که ۲/۵ درصد در سال تخمین زده شده حائز کمال اهمیت است زیرا بادر نظر گرفتن ازدیاد جمعیت و ارتقاء سطح درآمد عمومی و بالا رفتن سطح مصرف بعلاوه زندگی بهتر نیازهای مردم به محصولات کشاورزی روز افزون بوده و این بخش فوق العاده درخور ابعان و نظرو توجه و عنایت میباشد.

خوشبختانه طبق اطلاع حاصله برای تأمین احتیاجات مواد غذایی مردم کشور طی بیست و پنج سال آینده مطالعات همه جانبه ای انجام گرفته که در آن روند افزایش جمعیت، امکانات آب و هوا و خاک کشور، شرایط اقلیمی و سایر عوامل در نظر گرفته شده که امید است این مطالعات و برنامه های دراز مدت گذشته از تأمین داخلی احتیاجات صادراتی را نیز برآورده نماید.

مسلماً پاسخ گوئی به نیازهای روز افزون مردم بمواد غذایی و نیز نیاز بمواد خام برای صنایع ایجاب می کند که علاوه بر شرکت های تعاونی روستائی و شرکتهای سهامی زراعی توجه خاصی به واحدهای بزرگ تولیدی از نوع کشت و صنعت و غیره نیز معمول گردد.

۳- توجه به بخش خصوصی. از جمله سیاستهای اقتصادی دولت توجه و عنایت به بخش خصوصی است در تمام جوامعی که به روش اقتصاد آزاد اداره میشوند دو بخش عمومی و خصوصی مکمل یکدیگرند. بخش دولتی با سیاست ارشادی خاص خود راهما و راهگشاست و بخش خصوصی با اجرای خط مشی های بخش دیگر در حقیقت مجری آن سیاستها میباشد، بنابراین شکی نیست که این دو بخش در پیشبرد هدفهای اقتصادی کشور مسئولیت دارند. خوشبختانه در چند سال گذشته دولت حمایت خود را از بخش خصوصی و سرمایه گذاری و فعالیت بخش مزبور دریغ نداشته و از طریق اعطای تسهیلات مختلف و برقراری امتیازات گوناگون و اعتبارات مورد نیاز به تقویت این بخش پرداخته است. کما اینکه در برنامه های عمرانی گذشته سهم قابل توجهی مخصوص در مورد سرمایه گذاری بعهده بخش خصوصی محول شد بخاطر دارم این سهم در آغاز برنامه چهارم مخصوصاً آنچنان عظیم و سنگین بنظر میرسد که انجام آن غیر ممکن جلوه میکرد، که خوشبختانه با برخورداری از ثبات و امنیت و با بهره برداری از ره آورد انقلاب شاه و ملت بخش خصوصی بیشتر از سهم تعیین شده برنامه چهارم سرمایه گذاری نمود. در برنامه پنجم نیز بخش خصوصی با شرکت فعالانه، در اجرای وظایف خود نسبت به جذب اعتبارات و توسعه امور صنعتی پیش از پیش موفق بوده.

خوشبختانه ابتکار اصل چهاردهم انقلاب هم بهمان ترتیب و نسبت که از مصرف کننده حمایت می کند از تولید کنندگان و بازرگانانی که در نهایت سلامت، صداقت و با استفاده ای معقول و منطقی کالای خود را عرضه میکنند نیز حمایت بعمل می آید در زمینه اصل چهاردهم انقلاب یعنی مبارزه با گرانفروشی باید عنوان کنیم که در نخستین گام تجسم کامل گسترش عدالت اجتماعی را متجلی میسازد. زیرا در هیچ جامعه سالمی گرانفروشی و اجحاف که مآلاً غارت غده ای کثیر بوسیله غده ای معدود معنی میدهد قابل تحمل نخواهد بود و مبارزه با گرانفروشی علاوه بر آنکه از نظر اقتصادی یک زندگی معتدل و بدون

تزلزل و خالی از تشویش و سرشار از رفاه را برای اکثریت مردم تأمین خواهد کرد اصل عدالت اجتماعی را که اساس انقلاب ایران را تشکیل میدهد نیز گسترش خواهد داد. در مورد این اصل که تعیین قیمت صحیح و حقیقی کالا و مبارزه با گرانفروشی و اجحاف است نیز اهمیت موقعیت زمانی انکارناپذیر است زیرا میدانیم که هم اکنون بخش وسیعی از جهان از جمله کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی دچار بحران تورم اقتصادی هستند و خوشبختانه کشور ما با بهره‌ریهای داهیانه شاهنشاه آریامهر از آثار ناگوار این تورم بین‌المللی و همه‌گیر دورمانده است اما مسائلی بسیار منجمله نابسامانی اقتصادی در هر جامعه در شمار عواملی هستند که اقتصاد آن جامعه را آسیب پذیر میسازد و راه را برای ورود و گسترش تورم هموار میسازد و گرانفروشی و اجحاف نیز در شمار نخستین و مهمترین وسایل ایجاد نابسامانی اقتصادی است.

در اینجا باید اذعان کنیم که در اجرای اوامر مؤکد ملوکانه اقدامات دولت و حزب رستاخیز ملت ایران در زمینه مبارزه با گرانفروشی فوق‌العاده مؤثر افتاده و به همین جهت تقاضا داریم تا ریشه کن شدن گرانفروشی که یکنوع نابسامانی اقتصادی است اقدامات به همین حدت و شدت ادامه یابد و تعقیب و مجازات گرانفروشان باشد بدترین وجهی انجام شود.

در خاتمه عرایض لازم میدانم از اینکه جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر گرانمایه ایران در سایه درخشندگی خدمات صادقانه خود برای چهارمین بار مورد اعتماد و عنایت شاهنشاه آریامهر قرار گرفته و فرمان مبارک همایونی چهارمین کابینه خود را تشکیل داده است حضور ایشان و اعضاء محترم هیئت دولت صمیمانه تبریک و تهنیت عرض کنم و مرید توفیق آنان را در راه خدمت بشاهنشاه آریامهر، در راه خدمت به منهن عزیز در راه خدمت به نیت سرفراز و سر بلند ایران در راه تحقق آرمانهای ملی و بالاخره در راه اجرای برنامه های مملکتی و جلب رضایت خاطر خطیر ملوکانه از درگاه احدیت مسئلت دارم (احسن).

رئیس - نظر دیگری در برنامه دولت نیست؟ (اظهاری نشد) جناب آقای نخست وزیر فرمایشی دارید بفرمائید.

نخست وزیر (امیرعباس هویدا) - جناب آقای رئیس خانمها و آقایان، خیلی خوشوقت هستم که این فرصت بدست آمد که دوستان ما در مجلس رستاخیز ملت ایران که قبلاً با برنامه‌های دولت و به جزئیات این برنامه آشنا

تا حدودی این فلسفه در جامعه دو هزار و پانصد ساله ایرانی خوب پیاده نخواهد شد چون همیشه یک عامل خارجی بود که کمک می‌کرد به از بین بردن امواج، این فلسفه‌ای است که باید حتماً راجع به آن صحبت کرد و باید سعی کنیم این آموزش سیاسی که در اینجا از آن صحبت می‌شود در مکتب حزب بررسی و تجزیه و تحلیل شود و نتیجه‌گیری کنیم. صحبت از مفهوم اصیل برنامه ریزی شد صحبت از رشد مطلق اقتصادی. آقای عاملی در باره محتوای آن صحبت کردند راجع به تکنولوژی ایرانی جمله‌ایست که خودم بکار بردم من خیال می‌کنم نکاتی که توی این گزارش گذاشتیم اینها ارقام و آمار است ولی حتماً برنامه ریزی ما در عمق محتوا دارد، اصلاً برنامه ریزی چیست؟ حتی از خودمان سؤال کنیم که چرا برنامه داریم، برنامه ریزی این نیست که ما پیش بینی کنیم، برنامه برای این نیست که ما طبق اصولی قدم برداریم و به بنییم به کجا خواهیم رسید من عرض کردم به آینده نگری تا حدی اعتقاد دارم، تا حدی که به شما یک مسائل کلی را روشن میکند، آینده نگری لازم است ولی پیشرفت ما و آینده شمارا توی ورق بازی یا قهوه نمی‌خوانیم، ما میدانیم که ایران چه خواهد بود و چه باید باشد و آتیرا می‌سازیم (احسن - احسن) رهبر ایران فرمودند تمدن بزرگ، ما تمدن بزرگ را توی کامپیوتر نگذاشتیم یا رقم نگرفتیم که آینده نگری کنیم، تمدن بزرگ هدف ما است که خودمان ساخته‌ایم و می‌رویم. طرف آن هدف و همه قوایمان را بسیج می‌کنیم که آن ایران را تمدن بزرگ را بسازیم و چه بسا آن ایران تمدن بزرگ خیلی از مسائلی که باید حل کنیم باوسایلی که امروز احتیاج داریم، ممکن است امروز نداشته باشیم، برنامه ریزی این خواهد بود نه اینکه برنامه‌ها بگوید که بکجا میرسیم و چه خواهیم بود، رهبر بزرگ ایران فرمودند، ایران تمدن بزرگ این است، برنامه ریزی ما اشان خواهد داد چطور از ایران امروز بتمدن بزرگ خواهیم رسید، جهت یابی نیست، جاده سازی نیست، ساختن آینده است و این مسأله ایست که بعقیده من اهمیت دارد و بدیهی است ایراد هم داریم، حق هم داریم باید ایراد گرفت، انتقاد کرد، حرفها را باید زد تا حدودی که ایراداتمان شایعات نشود، همینکه شایعات شد دولت هم اقدامات ضد شایعات می‌کند، بنابراین ما در برنامه ریزیمان از یکجا شروع کردیم برنامه‌هایی داشتیم، علم جدیدی بود

بآن قدم برداشتیم و امروز من معتقدم برنامه ریزها همان در راه صحیح و درست از تمام این ابزار فنی استفاده میکنند نه برای اینکه این ابزار فنی محتوای برنامه را بگوید، محتوای برنامه آن چیز است که ایران و ایرانی می‌خواهد اگر ما از دستگاه کامپیوتر الکترونیکی هم استفاده میکنیم باید ببینیم که کامپیوتر به ما چه میدهد آن اطلاعاتی است که خود ما در آن کامپیوتر گذاشته‌ایم نه اطلاعاتی که خودش بدست آورد باید سعی کنیم که انسان ایرانی را همیشه در آن بگذاریم و آن انسان ایرانی این است که اگر توانست برهبری فرماندهان همانطور که یکی از دوستان اینجا فرمودند از یک نقطه ضعف به نقطه قدرت برسد، آن اهمیت برای همه ما دارد و بنده نه تنها ایراد نمی‌گیرم به مسائلی که ایشان فرمودند موافق هم هستم، باید مفهوم اصیل برنامه ریزی را روشن کنیم، ضوابط ملی باید روشن شود چه بسا کنیز ساموئل سن و قبل از آن مارکس و فوئر باخ تمام این اقتصاد دانان چیزهایی گفتند از اطلاعات آنها باید استفاده کنیم ولی در هر صورت اطلاعات آنها را معجزاتی نمی‌کنم که بآن بطرف پیشرفت می‌رویم و خواهیم رفت، همکاری بکنیم در مملکت خودمان و بدست ایرانی و برای ایرانی است، راجع به معیارها نکاتی فرمودند بنده موافق هستم تمام مسائل را باید منظور کنیم بایستی بسازیم راجع برفاه نسل آینده نکاتی گفته شد ایرانی گدائست که احتیاج به خیریه داشته باشد - برخوردار از یک زندگی مرفه حشش است، رهبرش چنین حقی را باو داد، چرا چنین روحیه‌ای داشته باشد؟ اگر چهلتنی این روحیه هست باید ازین برود ولی ساختمانی که می‌کنید باید سنگ را روی سنگ بگذارید تا ساختمان مستحکم باشد مسائل شهری و مسائل روستائیمان اینها آهنگهایش باید معلوم باشد در همین دوره قبل وقتی اینجا صحبت از مسائل شهری می‌شد فوراً غده‌ای از دوستان می‌گفتند روستاها چه شد، صحبت روستا که می‌شد شهری‌ها کمتر صحبت می‌کردند ولی فشار می‌آوردند که مگر می‌شود شهرها را فراموش کرد، البته همه آقایان و خانمها که از استانها آمده‌اند راجع بترافیک تهران صاحب نظرند و چه بسا راه حل‌هایی هم داشته باشد اینجا هم گفته شد این راهها را ارائه کنید در کمیسیون‌های مختلف حزب هم بگویند نتیجه‌گیری خواهیم کرد، نکته‌ای که باید عرض کنم ما رفاه این نسل را در رهن نسل آینده نخواهیم گذاشت (احسن)، نسل آینده رفاه خواهد داشت ولی این نسل

هم رفاه می‌خواهد، این وظیفه ماست یعنی قوه اجرائیه و قوه مقننه برهبری فرمانده‌اش راه حلش را پیدا می‌کند، ده، دوازده سال پیش را به‌بینید و امروز را هم به‌بینید، تنگناهایی هم داریم، تنگنا زائیده پیشرفت است از تنگنا نرسید، حل کنید، روز اول مهر اشکال رفت آمد زیاد است روز دوم کمتر میشود روز سوم مهر بهتر میشود روز دهم مهر عادت می‌کنید و با خیابانها آشنا می‌شوید که کدام راه را انتخاب کنید راحت‌تر است و زودتر می‌رسید بدیهی است باید اتوبوس‌ها را مرتب کرد. شهرداری در کار اتوبوشیانی تهران اشکالاتی دارد، راجع بسرویس مدارس شما می‌گویند مسئولش کی باشد می‌خواهد بچه‌تان را تحویل یک دستگاه مسئول بدهید آن دستگاه جز مدرسه یا شورای خانه و مدرسه کی می‌تواند باشد؟ حتماً شورای خانه و مدرسه باید راه‌حلی برای ابتکار پیدا کند مردم را عادت بدهید مسائلمان را خودشان حل کنند، ایرانی نشیند و منتظر باشد که همه کارها برایش انجام بشود امکانات هست راه حل پیدا کنید یک مدرسه قرار داد می‌بندد اولیاء چند دانش‌آموز با هم قراری گذارند هر روز یک نفر به نوبت بچه‌ها را برساند همیشه فکر تشکیل سازمانهای مختلف نباشید و مدیرکل ترانژید و مدیر عامل تعیین کردن، من خیال میکنم دوست من آقای عاملی با من همفکر باشد که برای هر کار تلاش کنیم تلاش نمی‌دهیم افراد اگر تلاش نباشند چه جامعه‌ای می‌خواهد مثل جوامع کشورهای دیگر که قبل از این بان بحث کردیم، برنامه‌ریزی یک ابزار کار است و هدف در خود نیست آقای بنی‌احمد در چند مطلب یا در چند نکات برنامه دولت فرمایشاتی کردند که بدو تایش متکی میشوم و بقیه را یا جواب دادم و یا جواب خواهم داد اول راجع به مسکن که اهمیت دارد، من خیال می‌کنم هر خانواده ایرانی سه موضوع مهم دارد، اول تحصیلات بچه‌هایش است که بخواهد بچه‌اش تحصیل کند، عالیترین و بهترین تحصیل را بکند و یک فرد مشخص و مفید در جامعه باشد، دوم بهداشت و درمان بچه‌هایش است و سوم مسکن است که در برنامه ما هم هست امروز و دیروز حدود ۵ میلیون جوان این مملکت بمدرسه رفتند و چه بسا مدارس ما از لحاظ زیبایی خیلی از تهران کمتر زیبا هستند، بقول یکی از سرفقاله‌های تهران که امروز خواندم هنوز از لحاظ کتاب کمبود داریم و از لحاظ امکانات فیزیکی اشکالاتی داریم ولی

این اشکالات برای من مهم نیست، به محتوای آموزش است که باید اهمیت بدهیم و آن معلم است، اینجاست که بساختن و مسائل مدرسه نباید اهمیت داد، این مدرسه تشنگ است یا نه؟ بخاری دارد؟ شوقاژ دارد؟ یا ندارد؟ مهم نیست، مهم این است که محتوای آموزش خوب داشته باشیم مهم این است که ما معلم خوب و محتوای خوب داشته باشیم وقتی آموزش ما خوب شد آتوقت بیرونی اهمیت بدهیم، وزارت آموزش و پرورش در روز اول که تشکیل میشد بین می‌گفتم بگذاریم پرورش و آموزش ولی در آن زمان من در مقامی نبودم که باینصورت نامگذاری کنم و بمن گفتند، در زبان فارسی سهل‌تر است که بگوئیم آموزش و پرورش در عرصورت پرورش باید اهمیت داشته باشد ما افرادی را که پرورش میدهم اگر ایرانی نباشند به چه دردی ما می‌خورد این نکته‌ای است و اهمیتش برای ما روشن است ما دنبال تأمین مسکن هستیم و با تنگناهای فیزیکی مواجه بودیم، کمبود آجر و سیمان و آهن داشتیم، نوسان قیمت‌ها در میان بود، که اگر ولس میکردید قیمت‌ها بالا میرفت و وقتی جلوش را بگیرد اشکالات دیگری دارد بهرحال این اشکالات تا حدود زیادی حل شده در اینجا بیاد آقای آرمون می‌افتم که گفتند برنامه را طوری آماده کنید که اگر در یک بخش پیش رفتید بخشهای دیگر هم با آن هم‌آهنگ باشد، اینکار شدنی نیست جهش این اشکالات را دارد، یکی می‌تواند سه متر برود، دیگری پنج متر، ایران باستی کیلومترها برود، ملاحظه فرمایید اشکالاتی خواهیم داشت مهمتر از همه این است که در زمان کوتاهی این مملکت را باید تسازیم اگر از این فرصت طلائی استفاده نکنیم و این مملکت را تسازیم که زیربنائی داشته باشیم تا سال دیگر ما هیچکدام بمملکت خدمت نکردیم، بگذارید کامیون‌گندم بیاید، گندم را برای دور ریختن نمی‌آوریم دورتر برایتان میدهم شمال گذشته یعنی در ۱۳۰۳ تولید گندمان چهارمیلیون و شصدهزار تن بوده است، حال بیکارک پیشرفتمان بنایه حدس وزیر کشاورزی خیلی بیشتر خواهد بود این آقای وزیر اطلاعات دفتری دارد که وعده‌ها در آن یادداشت شده و در آنجا ثبت شده، تولید گندم ۵/۵ الی ۶ میلیون تن خواهد بود در صورتیکه مصرف ما ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تن است، البته مقدار اضافی را در سیلوا نگاهداری خواهیم کرد پس در هر صورت داریم چون گندم چیزی نیست که بگوئیم سال دیگر بقدر کافی خواهیم داشت باید سیلوا بیمان پرباشد.

که اگر خدای نکرده جائی دچار بی‌بارانی و کم‌آبی شد دست نیاز بسوی دیگران دراز نکنیم که بما بگویند شما چرا نستان را بگران کردید حالا گندم گران بخرد آن روز ما مستولیم من باید همیشه در حدود ۳ تا چهار ماه حتی تا پنج ماه مصرف گندم مملکت را داشته باشیم، البته سیلو بحد کافی نداریم در خلیج فارس کشتی اجاره کرده‌ایم که برای ما حکم سیلورا دارد، گندم زیاد هست اما نمی‌گذاریم قیمتش پائین بیاید، دیروز کمیسیون داشتیم دستور داده شد صد هزار تن گندم دولت از زارعین بخرد با تسهیلات لازم نه از بازار و باین ترتیب دولت همیشه با بازار در دست دارد مصرف بالا رفته، خوب چه پیشنهادی می‌شود کرد بگوئیم کمتر مصرف کنیم وقتی که مصرف بالا رفته، نتوانیم پیشنهاد بکنیم مصرف را کمتر بکنید؟ می‌گویم مصرف بکنید ولی اسراف نکنید تولید گوشت قریب ایران ۶۰۰ هزار تن است و ۶ هزار تن از خارج می‌آوریم فراموش نکنید در همین شهر تهران از سال ۱۳۰۲ به ۱۳۰۴ پنجاه درصد مصرف گوشت رفته بالا رفته ماه اول ۵۳ به ۵۴ بیست و پنج درصد رفته بالا شکر ۲۰ رفته بالا روغن نباتی ۴۵٪ رفته بالا این نماینده اسراف نیست نماینده قدرت مالی مردم است که می‌خواهد بهتر تغذیه شود و این خودش یک سرمایه‌گذاری است برای رفاه ایرانیان فردا و این ایجاد زیربنای بهتر است. (صحیح است - احسن است) راجع به ترافیک تهران صحبت می‌کنید حق دارید من خودم هم امروز صبح گیر کردم ولی وقتی شما باید در ایران در حدود ۶ میلیون بچه را در مدارس غذا بدهید این خودش ۶ میلیون وعده غذا اضافه می‌شود حساب کنید چی می‌شود و در همین تهران وزیر کشاورزی باید ۴۳ هزار باکت شیر صحیحاً بمدارس تهران برساند، خوب مسلماً در ترافیک تهران در یکجا اشکالاتی پیدا می‌شود بالاخره اینها را که با دستش نمیتواند برود پاکتش مهم نیست محتوای آن مهم است پس باید کاری کرد، کامیون اگر شب برود کسی در مدرسه نیست صبح زود باید برود همه چیز باید برسد آب هم باید برسد، نفت هم باید برسد اشکالاتی هست و شما که همه‌تان افراد با انصاف هستید من استدعا می‌کنم همین شهر تهران را که می‌بینید مسائل عمده‌ای دارد که زائیده نبودن انضباط ما است اگر خودمان بیشتر انضباط داشته باشیم این مسائل تا حدی حل می‌شود ولی می‌گویند دو تا شهرداری درست کنید یکی برای زباله و یکی برای گسترش، این بجاده سوم بالاخره ساخته شد الان سیلماً پل هم احتیاج دارد پل هم

باید ساخته شود من میدانم که همه‌تان علاقه دارید ولی قضاوتتان باید قضاوت صحیح باشد همیشه توی یک کفه ترازو همه چیز را نگذارید خیلی سخت است حوصله می‌خواهد ولی الحمدالله ما که خیلی حوصله داشتیم راجع به کشاورزی نکاتی را گفتید با شما کاملاً موافقم بالاخص راجع به کشاورزی صنعتی در واحدهای کوچکتر البته آن کشاورز ایرانی را ما بهیچوجه منظور تان این نیست که او را کارگر کشاورزی بکنیم چرا کشاورز ایرانی همان کشاورز سنتی سرمایه‌دار است چون زمین دارد، مدیر هم هست و کارگر خودش است کار می‌کند، شما سه عامل مهم اقتصادی را در یک فرد از بین نبرید برعکس حفظش کنید کمکش کنید ما برنامه داریم ولی این باعث نمیشود چون کشاورز را کمک می‌کنیم کشت و صنعت نداشته باشیم کشاورزی صنعتی صد هکتاری و ۲۰۰ هکتاری نداشته باشیم و این صنعتی است که حتماً آن را دنبال می‌کنیم کشاورز ایرانی را ازین نخواهیم برد باید بدانید که بهیچوجه، خدای نکرده شما چنین فکری داشته باشید که ما میخواهیم چنین کاری بکنیم برعکس میخواهیم حفظش کنیم چون این کشاورز سرمایه دارد برای اینکه صاحب زمین است خودش مدیر است و کارگر هم هست راجع به نکاتی که آقای آرمون فرمودند مسلماً این یک نکته‌اش را بگویم راجع به آن حرکت برق‌آسا بنده فکر می‌کنم گفتن این جمله از طرف ایشان کمی اشکال داشته باشد چون موقعی که در دستگاه دولتی با ایشان همکاری داشتیم نظرشان این نبود خود ایشان حرکت برق‌آسا داشتند حالا می‌گویند چرا میخواهید برق‌آسایش برود در هر حال احتیاج داریم برق‌آسا پیش برویم و در مدت کوتاهی مملکتی بسازیم که در اوج قدرت باشد وقتی کشورهای دیگر کاری را که ما در ۳ سال انجام می‌دهیم آنها در ۲۰ سال فرصت میخواهند اگر این ایراد بما وارد باشد در مورد شما وارد نیست چون خودتان نمونه خوبی نبودید راجع به آموزش و رفاه اجتماعی آقای واحدی مطالبی گفتند که فکر می‌کنم جوابشان را نداده باشیم، آقای منظوری گفتند همه چیز برای همه جمله تشنگی است کشاورزی، صنعت و مصرف برای همه ملاحظه می‌کنید که از آن دور نیستیم آقای صدری کیوان هم مثل همیشه راجع به تنگنا صحبت کردند، و چون ایشان سالهاست که در کمیسیون بودجه و کمیسیون دارائی اینقدر از این برنامه‌ها دیده‌اند من مطمئن دارم که بیشتر از رئیس سازمان برنامه و بودجه همه طرحهای ما را احقاً دیده‌اند اینک همه را بررسی کرده‌اند با در نظر داشتن ایجاد یک همکاری

نزدیک بین دستگاههای اجرائی و نمایندگان مجلسین امیدوارم بزودی یک جلسه خصوصی با خانمها آقایان داشته باشیم و طرز تقسیم بندی مملکت را بمناطق مختلف که نمایندگان در آنجا دورهم جمع بشوند برای ایجاد دفتر کوچکی با افراد اجرائی در حزب تشکیل بدهیم برای تقسیم کارهای آن منطقه ها (احسن - احسن) در آنجا این همکاری رانه تنها اعتقاد دارم بلکه دنبالش هستم چون شما گوش و چشم و دست توانای مملکت هستید و می توانید بما بگوئید چرا فلان برنامه در فلان منطقه پیش نرفته در محل بروید و بما خبر بدهید این کار را میکنیم و پیاده میکنیم این همکاری نزدیک را ایجاد میکنیم. آقای عاملی نکاتی را روشن کردند که من شخصاً با نکاتی که ایشان فرمودند موافق هستم و خیال میکنم که این کار باعث خواهد شد که شما مجهزتر باشید راجع به مسائل بهتر صحبت کنیم و استفاده کنیم بهیچ وجه سنگربندی نیست همه در یک سنگر هستیم و بهم کمک میکنیم یک زمانی سنگر بندی بود شمشیر بازی میکردیم بدم نبود الان سعی میکنیم طور دیگری عمل بشود از نظریات همه متشکرم تمام آن نکات این جا ثبت شده و همکاران من قطعاً استفاده خواهند کرد . (احسن)

رئیس - نسبت به برنامه دولت با ورقه اخذ رأی میشود (اسامی نمایندگان بوسیله منشی آقای مهندس صائبی بترتیب آتی قرائت و در محل نفق اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان : میرعبز رضی - اشقی کاخکش - منصور صادقی - فلاح مقدم - بیات - توتونچی افشار - دکتر معقنی - بارک زهی - آزمون - رلشدی - بانو نجمی نائینی - سیف الله اشتر - خلیل زاده شیرازی - اسکونی - شادلو - جلالیان - یغمائی - خورشید - جیرالو - منصوریان - محمود ضیائی - مافی - جندقی - دانشی - خطیبی - افتخاری - معززی - دولتی - قائمی - عبدالهادی آقایان - تربتی - کون - نوری - بنکدار پور - وحیدی - کیوان - حجتی - آشوریان - مشائی - اربابی - شهرستانی - کیان - قاسم زاده - حاتمی - فرزاد امیری - فرهنگ بیگوند - سلیمانی - واحدی - ماحوزی - شهبازی - ظفری - رامید - ذوالفقاری - قاضی - حسن صائبی - توتونچیان - ستوده - بانو صنیع - نفوی - لاریجانی - یگانه - پزشکپور - عنایت بهیجانی - پور بردباری - معینی چاغروند - کسرائی - بانو نائینی - طباطبائی - قزاقی - فریانی - سید محمد جزایری - باقرزاده

بعضدی - دهقان نژاد - عیسی تدین - ابطعی فهلیانی - حسین اسکندری - اخلاق پور - سرهنگ زاده - شهبانی - بزرگ زاده - صائب - کبیری - محمدعلی آموزگار - رهبر - عاملی تهرانی - رضوی صومعه سرائی - طبیب - پارسا - عدل - صدیق اسفندیاری - ملکشاهی - رشید یاسمی - اردلان - بانو فرخ لقا بابان - رئیسی اردکانی - نوذر صادقی - ساری اصلانی - قرا چورلو - رفعت - قدسی - ناظمی - سلمی - زرگزاده - عبدالله فراگزلو - نظمی - چهارزی - سید کریم کاظمی - اخباری - سعادت قدس نیا - بهره مند - مجتبائی - قریبی - بنی احمد - بانو کمالی آزاد - اسحق نژاد - اشرف وزیری - عباس میرزائی - میرلاشاری - هاشمی میاندوب - جعفری - اوحدی - حیدری - افشار - جعفری - شادمان - هرزندی - سعیدج - ابوالهدی گنرودی - پیر - آزموده - جهانشاه افشار - جهانبانی - محمد نوری - ابتهاج سمیعی - بهادری - پزشکی - کریم آصف - الموتی - فروزین - زاهدی - نوربخش - مظهری - منصور - محمودیان - لیوانی ساگیبیان - دادفر - عاملی - صدر - محمدی کوشکی - رحمانی - طغانی - شیخ الاسلامی - بانه - سعادت فرد - مانی - آستانه ای - فیروزآبادی - اشرفی - عادلانی - رانکوهی - ریاضی - صبوری تیزدی - کاشفی - وکیل گیلانی - تجدد کاظم جزایری - جعفری - غضنفری - باقری - محمداسدی - قائمی - یاسینی - معینی قراگزلو - مهرزاد - مشیر - مهر - پیرزاده - یزدی - اهری - سیح خلخالی - سیدی سید کلال - صدیق زاده - رضوانی - بانو اما آقایان - پیشوائی - بقائی - یزدی - موسوی ماکوئی - بانو داودی - حسن وزیری - اعتمادی - اجاق - چلاجور - خانلر عشایری - تژده - سلیمی - زیگی - مهدی شیخ الاسلامی - توکلی - اعظمی باوندپور - بانو فرایی - ایلخانی - امیرعلم خزیمه - رفعتی - عالمی - دره شوری - نواب صفا - بانو ملک تاج برومند - سلیمانی سوادکوهی - درودی - منطری - دکتر برومند - بهارلو - ادیب مجلسی - بانو فریده هاشمی - فرمان - محمد حسین غضنفری - بانو عدیلی - خسروی دارانی - عباس عطائی - عبداللطیف شیخ الاسلامی - متولی - موسوی - منتظری - جوکار - دکتر سعید - سالار جاف - الداغی - دلخوش فومی - ستاری - دانشمند - تولائی زاده - امیر عشایری - افتخار - وشمگیر - بانو اباصلی - دکتر رئیسی - حسین حیدرزاده امین - شیروانی - شریفی - بهار - نوری - اسفندیاری .

(آراء ماخوذه شماره شد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

آراء موافق ۴۳۹ رأی

رئیس - مجلس شورای ملی با ۴۳۹ رأی موافق ، باتفاق آراء برنامه دولت جناب آقای هویدا را تصویب نمود و ابراز اعتماد کرد . بنده این رأی قاطع و این افتخار بزرگ را از طرف خودم و کلیه همکاران عزیزم به جنابعالی وبه همه اعضاء دولت جنابعالی تبریک عرض میکنم . تصور میکنم این اولین بار است که دولتی در مجلس شورای ملی چنین رأیی از برگزیدگان ملت ایران میکیرد (صحیح است) همه ما شاهد انتخابات این دوره بودیم که مردم با چه شور و شوق و هیجانی درانتخابات شرکت کردند و نمایندگان شان را به مجلس شورای ملی فرستادند و امروز این نمایندگان بدولت جنابعالی این طور باتفاق آراء رأی میدهند . تصور میکنم این نمودار بسیار روشنی از خدماتی است که دولت جنابعالی تحت رهبری های خردمندان شاهنشاه بزرگ ما در این دوره طولانی ده یازده ساله داشته است . آنهایکه باشما جزئی آشنائی دارند میدانند که در شما خصایل و صفات پسندیده بسیاری وجود دارد (صحیح است) از همه آنها مهمتر همکاری صمیمانه شما با همکارانتان و همینطور بانمایندگان مجلس شورای ملی ، و اشخاصیکه بشما مراجعه کرده اند میباشد این افتخار نه تنها برای دولت شماست بلکه خیال میکنم برای مجلس شورای ملی نیزهم هست چون در این سه دوره قانونگذاری هیچ فاصله ای بین دولت و مجلس وجود نداشته است و مخصوصاً در این دوره رستاخیز ملت ایران ، یقیناً هرگز فاصله ای بوجود نخواهد آمد (صحیح است) بنده یکبار دیگر این توفیق بزرگ را به جنابعالی و تمام اعضاء دولتتان تبریک عرض میکنم و آرزوی موفقیت و پیشرفت بیشتر برای جنابعالی و همه همکارانتان دارم تا انشاء الله مانند گذشته بتوانید موجبات رضامندی شاهنشاه و ملت ایران را فراهم سازید (صحیح است - احسن) جناب آقای نخست وزیر - (امیرعباس هویدا) جناب آقای رئیس دزدوامر احساس میکنم که واقعاً تحت احسانات قزقرگرتهم از صمیم قلب از رأیی که باتفاق آراء به دولت دادید و برنامه دولت را تصویب کردید متشکرم (احسن) من میدانم این اتفاق آراء برای مابعدی کاریشتر و همکاری بیشتر تا اینکه به نتیجه مطلوبی که شاهنشاهمان میخواهند

برسیم من قول میدهم که خودم و همکارانم تا سرحد توانائیمان و حتی آن طرف سرحد قوایمان کوشش کنیم و همکاری شما در کوشش ماحتملاً کوششمان را بیشتر و نتیجه را بهتر میکند جناب آقای رئیس از شخص جنابعالی همیشه در این یازده سال و چند ماهی که خدمتان بوده ام چون قبلابنعوان وزیر دارائی هم بودم متشکرم جنابعالی که در اینجا مجلس را اداره میکردید و ما را یاری میکردید همیشه طوری کار دولت را باقوه مقتنه هماهنگ میکردید که به نتیجه مطلوب میرسیدیم جنابعالی مثل برادر بزرگ ما هستید از فرمایشاتی که برای من و همکارانم کردید باز متشکرم من در یک جمله فقط میگویم « که ماشما رادوست داریم » (احسن - احسن) .

۵- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای دکتر مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه

رئیس - آقای دکتر مجیدی فرمایشی دارید بفرمائید .

دکتر مجیدی (وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) - با اجازه مقام معظم ریاست باستاند تبصره ۲ ماده ۲ قانون برنامه و بودجه دو فقره اعتبار مورد نیاز برای انجام تعهد درسالهای آتی یکی برای خرید و نصب واحدهای ۳۰ و دو برای اجرای عملیات مرحله دوم خط لوله نفت خام شماره ۲ اهواز و هم چنین برای اجرای عملیات خط لوله ای شمال غرب تهران وری شمال شرق تهران لواچش آماده شده برای بررسی و تصویب کمیسیون بودجه تقدیم میشود .

رئیس - پیشنهاد هابه کمیسیون بودجه ارجاع می شود .

۶- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - چون چند روز اول هفته آینده مصادف با ایام سوگواری است بنا بر این پنجشنبه آینده ساعت ۹ صبح جلسه خواهیم داشت . دستور جلسه انتخاب دو نفر ناظر براندرخته اسکناس است . با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنم .

جلسه در ساعت ۱۲ و پنجاه دقیقه ختم گردید .

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**